

# Quran and Hadith Studies

Bi-quarterly Journal of Quran and Hadith Studies, Research Article,

Vol. 15, No. 2, (Serial. 30), Summer 2022

<https://ghs.journals.isu.ac.ir>

## Examining the authenticity of the Prophetic Narration "The superiority of the Prophet Khatam and His Family over the Prophets"

DOI: 10.30497/qhs.2022.241467.3371

[https://ghs.journals.isu.ac.ir/article\\_76079.html?lang=en](https://ghs.journals.isu.ac.ir/article_76079.html?lang=en)

Parisa Ataei Nazari \*  
Mohammad Ali Mahdavi Rad \*\*

Received: 01/08/2021

Accepted: 02/03/2022

### Abstract

The superiority of the Holy Prophet over the former prophets is one of the consensual beliefs of Muslims. According to several texts, the Imāmīs also believe in the superiority of the Ahl al-Bayt over other prophets. To explain the superiority of the Prophet and his family, some late Imāmī sources have cited a prophetic narration in Al-Amaali of Ibn Babiwayh, which informs of the conversation between the Messenger of God and a Jew about the superiority of Prophet Muhammad (PBUH) and Prophet Moses (AS). The present writing assesses the possibility of this narration being issued by the Holy Prophet by using textual criticism methods. The originality of the structure of the narration is based on the parallelization of the resolvable parts of the narration in the available Islamic heritage older than Al-Amali; and the resultant is the possibility of the two last parts of the narration being borrowed from former sources based on the similarity of lexical, semantic, and declarative technique. The originality of the content is investigated according to the frequency of the central concepts of the narration in the collection of narrations attributed to Prophet Mohammad (PBUH); and the result is the strengthening of the attribution of the content of the final part of the narration to the Holy Prophet. Therefore, the narration being issued in the current format as well as the attribution of some of the themes in the text to the Holy Prophet is questionable. However, the present article does not rule out the possibility of the presentation of these themes and the teachings based on them by other infallible Imams and Criticism of the mentioned narration does not mean denying the doctrine of the superiority of holy prophet and his progeny.

**Keywords:** *The Superiority of the Final Prophet (PBUH), The virtues of the Ahl al-Bayt (AS), The prophets' supplication, evaluation of originality, Text Criticism .*

---

\* PhD student in Quranic and Hadith Sciences, Farabi Faculty of Theology, University of Tehran, Qom, Iran. [p.ataei72@ut.ac.ir](mailto:p.ataei72@ut.ac.ir)

\*\* Associate Professor, Department of Quran and Hadith, Farabi Faculty of Theology, University of Tehran, Qom, Iran. (Corresponding Author) [mahdavirad@ut.ac.ir](mailto:mahdavirad@ut.ac.ir)



دوفصلنامه علمی «مطالعات قرآن و حدیث»، سال ۱۵، شماره ۲، پیاپی ۳۰،  
بهار و تابستان ۱۴۰۱، صص ۵۷-۸۹  
مقاله علمی - پژوهشی

## اصالت سنجی روایت نبوی «برتری پیامبر خاتم و آل او بر پیامبران»

DOI: 10.30497/qhs.2022.241467.3371

[https://qhs.journals.isu.ac.ir/article\\_76079.html](https://qhs.journals.isu.ac.ir/article_76079.html)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۱

مقاله برای اصلاح به مدت ۲۳ روز نزد نویسندگان بوده است.

پریسا عطایی نظری\*

محمدعلی مهدوی راد\*\*

### چکیده

برتری رسول اکرم (ص) بر پیامبران پیشین از عقاید اجماعی مسلمانان است. امامیه بر اساس نصوص متعدد به افضلیت اهل بیت (ع) بر سایر پیامبران نیز باور دارد. برخی منابع متأخر امامیه در تبیین برتری پیامبر و آل او، به روایتی نبوی در امالی ابن بابویه استناد جسته‌اند که از گفتگوی رسول خدا (ص) و فردی یهودی درباره تفاضل حضرت محمد (ص) و حضرت موسی (ع) خبر می‌دهد. نوشتار حاضر امکان صدور این روایت از پیامبر اکرم را با کاربری روش‌های نقد متن می‌سنجد. اصالت ساختار روایت بر پایه مشابه‌یابی بخش‌های قابل تجزیه روایت در تراش اسلامی موجود کهن‌تر از امالی صورت گرفته و برآیند آن امکان وام‌گیری دو بخش پایانی روایت از منابع پیشین بر پایه شباهت لفظی، معنایی و اسلوب بیانی است. اصالت محتوای روایت نیز بنابر میزان فراوانی مفاهیم محوری روایت در مجموعه روایات منسوب به حضرت محمد (ص) بررسی شده و رهاورد آن تقویت انتساب مضمون بخش پایانی روایت به پیامبر اکرم (ص) است. از این رو، صدور روایت در قالب کنونی و انتساب برخی مضامین مندرج در متن به پیامبر اکرم (ص) تردید برانگیز است. با این حال، نوشتار حاضر احتمال عرضه این مضامین و آموزه‌های مبتنی بر آن را از جانب سایر معصومان نفی نمی‌کند و نقد روایت یاد شده به معنای انکار آموزه افضلیت رسول خاتم و آل او نیست.

### واژگان کلیدی

برتری پیامبر خاتم (ص)، فضایل اهل بیت (ع)، توسل پیامبران، اصالت سنجی، نقد متن.

\* دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات دانشکدگان فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران. p.ataei72@ut.ac.ir

\*\* دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات دانشکدگان فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

mahdavidrad@ut.ac.ir\_

این مقاله مستخرج از رساله دکتری دانشجو است.

مؤلفین مقاله از همفکری و همراهی اساتید بزرگوار دکتر علی راد و دکتر روح‌الله شهیدی سپاس‌گزار می‌کنند.

### طرح مسئله

مقایسه فضایل پیامبران با یکدیگر از موضوعات مهم در مطالعات ادیانی و اسلام پژوهی است. قرآن کریم در کنار طرح عدم تفاوت انبیا (بقره: ۱۳۶) در اصل مقام نبوت و تأکید بر یکسانی آنان در تحقق وظیفه رسالت (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص ۳۱۰) به تفضیل پیامبران در نشانه‌های نبوت و اختلاف درجات ایشان نیز تصریح دارد (بقره: ۲۵۳؛ اسراء: ۲۱ و ۵۵). به دنبال اشارات قرآن، آموزه تفضیل پیامبران در بستر احادیث رشد یافت و در دانش کلام به بلوغ رسید و به مثابه یک آموزه اعتقادی در فرهنگ اسلامی ماندگار شد (راد، ۱۳۹۵، صص ۹۸-۱۰۴). تعیین پیامبر افضل نیز ذیل تفضیل انبیاء بحث می‌شود. با وجود آن‌که قرآن بر افضلیت پیامبری خاص تصریح ندارد برخی برداشت‌های تفسیری در کنار روایات منسوب به پیامبر، صحابه و اهل بیت بر افضلیت پیامبر خاتم دلالت دارند (راد، ۱۳۹۷، صص ۳۳-۳۵). بر پایه این نصوص، تفضیل رسول اکرم بر دیگر انبیاء از عقاید اصیل عالمان شیعه و سنی گردیده تا جایی که درباره آن ادعای اجماع شده است (شریف مرتضی، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۱۱۵؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۶، ص ۵۲۱). در امتداد این عقیده، افضلیت امام علی (ع) و اهل بیت بر سایر انبیاء نیز باور گروهی از امامیه معرفی شده (ابن بابویه، ۱۴۱۴، ص ۹۳؛ مفید، ۱۴۱۳، صص ۷۰-۷۱) و متکلمان امامیه در باب چگونگی آن آراء گونه‌گونی ابراز داشته‌اند (گرنه‌زاده و قیوم‌زاده، ۱۳۹۴، صص ۷۲-۷۵).

برخی منابع متأخر و معاصر امامیه (حسینی رضوی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۴۰؛ کرکی، ۱۴۲۱، ص ۱۹۳؛ خواجوی، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۳۴۴؛ مجلسی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۲۴۷) در تبیین افضلیت پیامبر و آل او، به روایت حضرت صادق (ع) از پیامبر استناد جسته که حاکی از گفتگوی رسول خدا و فردی یهودی درباره تفاضل حضرت محمد (ص) و حضرت موسی (ع) است:

«حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَا جِيلُوهُ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنِي عَمِّي مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ هِلَالٍ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ دُكَيْنٍ عَنْ مَعْمَرِ بْنِ رَاشِدٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقَ (ع) يَقُولُ أَتَى يَهُودِيٌّ النَّبِيَّ ص فَقَامَ بَيْنَ يَدَيْهِ يُحَدِّثُ النَّظَرَ إِلَيْهِ فَقَالَ يَا يَهُودِيٌّ مَا حَاجَتُكَ قَالَ أَنْتَ أَفْضَلُ أُمِّ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ النَّبِيِّ الَّذِي كَلَّمَهُ اللَّهُ وَ أَنْزَلَ عَلَيْهِ التَّوْرَةَ وَالْعَصَا وَ فَلَقَ لَهُ الْبَحْرَ وَ أَظْلَهُ بِالْعِمَامِ فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ (ص) إِنَّهُ يُكْرَهُ لِلْعَبْدِ أَنْ يُزَكِّي نَفْسَهُ وَ لِكَيْتِي أَقُولُ إِنَّ آدَمَ (ع) لَمَّا أَصَابَ الْحُطَيْبَةَ كَانَتْ تَوْبَتُهُ أَنْ قَالَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لَمَّا غَفَرْتَ لِي فَغَفَرَهَا اللَّهُ لَهُ وَ إِنَّ نُوحًا لَمَّا رَكِبَ فِي السَّفِينَةِ وَ خَافَ الْعَرَقَ قَالَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لَمَّا أُخِيتِي مِنَ الْعَرَقِ فَنَجَّاهُ اللَّهُ عَنْهُ وَ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ (ع) لَمَّا أُلْقِيَ فِي النَّارِ قَالَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لَمَّا أُخِيتِي مِنْهَا فَجَعَلَهَا اللَّهُ عَلَيْهِ بَرْدًا وَ سَلَامًا وَ إِنَّ مُوسَى (ع) لَمَّا أُلْقِيَ عَصَاهُ وَ أَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةً قَالَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لَمَّا آمَنْتَنِي فَقَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَى يَا يَهُودِيٌّ إِنَّ مُوسَى لَوْ أَدْرَكَنِي ثُمَّ لَمْ يُؤْمِنْ بِي وَ بِنُبُوتِي مَا نَفَعَهُ إِيْمَانُهُ شَيْئًا وَ لَا

نَفَعْتَهُ النَّبُوَّةَ يَا يَهُودِيٌّ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي الْمَهْدِيُّ إِذَا خَرَجَ نَزَلَ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ لِنُصْرَتِهِ فَقَدَّمَهُ وَ صَلَّى خَلْفَهُ» (ابن بابویه، ۱۴۳۵، ص ۲۸۷)

«معمر بن راشد گوید شنیدم امام صادق (ع) می‌فرمود فردی یهودی خدمت پیامبر آمد و به تندی به او نگاه می‌کرد، پیامبر فرمود ای یهودی چه حاجتی داری؟ عرض کرد تو برتری یا موسی بن عمران پیامبر که خدا با او سخن گفت و به او تورات و عصا داد و دریا را برایش شکافت و با ابر بر سرش سایه انداخت، پیغمبر فرمود خوب نیست کسی خود را ستاید ولی می‌گویم. هنگامی که آدم گناه کرد توبه‌اش این بود که گفت خدایا از تو درخواست می‌کنم که بحق محمد و آل محمد مرا ببخشی و خدا او را بخشید و چون نوح سوار کشتی شد و از غرق ترسید گفت خدایا از تو می‌خواهم که بحق محمد و آل محمد مرا از غرق نجات دهی و خدا او را نجات داد و چون ابراهیم را به آتش افکندند گفت خدایا بحق محمد و آل محمد مرا از آن نجات ده و خدا آن را بر او سرد و سلامت کرد و چون موسی عصا افکند و از آن ترسید گفت خدایا از تو می‌خواهم بحق محمد و آل محمد که مرا امان دهی و خدای بزرگ مرتبه فرمود نترس که تو برتری. ای یهودی اگر موسی مرا درک می‌کرد و به من ایمان نمی‌آورد ایمانش و نبوتش سودی نداشت. ای یهودی مهدی از ذریه من است که چون ظهور کند عیسی بن مریم برای یاری‌اش فرود آید سپس او را پیش دارد و پشت سرش نماز گذارد».

در این روایت گفتمان برتری پیامبر خاتم بر دیگر پیامبران در توسل آدم (ع) و سه تن از انبیاء اولوالعزم به پیامبر و آل او، لزوم ایمان‌آوری موسی (ع) به پیامبر خاتم و اقتدای عیسی (ع) به مهدی (ع) از ذریه پیامبر نمود یافته است. اگر چه موضوع محوری روایت برتری پیامبر اکرم بر پیامبران پیشین است و فضایل اهل بیت او هم برای القای این مفهوم به خدمت درآمده، اما دو بخش ابتدایی و پایانی روایت از برتری اهل بیت بر پیامبران پیشین نیز حکایت دارد.

واکاوی این روایت در جوامع روایی فریقین نشان می‌دهد که یگانه مصدر آن *امالی* ابن بابویه است. سپس به *روضه الواعظین* قتال نیشابوری [۵۰۸.د] (۱۳۷۵، ج ۲، ص ۲۷۲)، *الاحتجاج* طبرسی [۵۸۸.د] (۱۴۰۳، ج ۱، ص ۴۸) و *جامع الاخبار* منسوب به شعیری [ح ق ۶ یا ۷] (بی تا، ص ۸) راه یافته و بعد از حدود چهار قرن غیبت در *تأویل الآیات الظاهره* استرآبادی [۹۴۰.د] (۱۴۰۹، ص ۵۳) بازتابیده و پس از آن در برخی جوامع روایی متأخر و تفاسیر روایی امامیه ماندگار شده است (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۱۰۰؛ بحرانی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۹۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۶، ص ۳۱۹؛ حویزی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۳۶۲).

روایت از جهت سند و متن متفرد و یکتاست؛ سند آن بدلیل وجود برخی راویان مذموم و مجهول بر اساس دیدگاه رجالیان متأخر ضعیف است (برای مشاهده بررسی کامل سند رک:

رساله نگارنده). در زنجیره راویان این روایت، احمد بن هلال و فضل بن دکین قرار دارند. احمد بن هلال از منظر برخی رجالیان غالی (طوسی، ۱۴۲۰، ص ۸۳) و ضعیف (همو، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۲۸) بوده است. ابن ولید، ابن بابویه و ابن نوح نیز با استثنای روایات او (طوسی، ۱۴۲۰، ص ۴۱۰) عدم وثاقت یا لزوم احتیاط در برخورد با روایات او را گوشزد کرده و ابن غضائری - به استثناء دو کتاب مشیخه ابن محبوب و نوادر ابن ابی عمیر - توقف در احادیث او را برگزیده است (ابن غضائری، ۱۴۲۲، ص ۱۱۲). محدثان متقدم نیز به متفردات احمد بن هلال اعتماد نداشته‌اند (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۷۶؛ طوسی، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۲۸) و روایت مورد بحث نیز از متفردات اوست. درباره فضل بن دکین نیز در کنار وثاقت وی، از تدلیس در برخی روایاتش خبر داده شده است (ابن شاهین، ۱۴۰۴، ص ۱۸۶).

متن روایت نیز از چند بخش با مضامین گونه‌گون تشکیل شده است. ارائه مفاهیم متنوعی از جمله توسل انبیاء پیشین به محمد و آل محمد (ع) مستلزم وجود بسترهای گفتگمانی مرتبط با آن در عصر نبوی است. با این وجود، قرآن به رغم اشاره به توبه آدم (ع) (بقره: ۳۷؛ اعراف: ۲۳؛ طه: ۱۲۲)، طوفان نوح (ع) (عنکبوت: ۱۴؛ هود: ۳۷؛ مؤمنون: ۲۹)، به آتش افکندن ابراهیم (ع) (عنکبوت: ۲۴؛ صافات: ۹۷؛ انبیاء: ۶۸) و ترس موسی (ع) (اعراف: ۱۰۷ و ۱۱۷؛ طه: ۲۰، ۶۷؛ انبیاء: ۷۷؛ قصص: ۳۱؛ شعراء: ۳۲؛ نمل: ۱۰؛ قمر: ۱۵-۱۳) از توسل پیامبران به پیامبر خاتم و آل او سخنی نگفته، درباره تفضیل پیامبران به اشارات کلی بسنده کرده (اسراء: ۵۵؛ بقره: ۲۵۳) و نسبت به افضلیت پیامبر خاتم و اهل بیت بر پیامبران پیشین - به مثابه مفهوم محوری روایت - ساکت است (راد، ۱۳۹۷، ص ۳۳). توجه به نکات یاد شده لزوم اصالت سنجی روایت را یادآور می‌شود. از این رو، امکان سنجی صدور این روایت از پیامبر اکرم (ص) با هدف پاسخ به پرسش‌های ذیل نگاشته شده است:

- ۱- امکان صدور متن روایت از پیامبر اکرم (ص) در قالب فعلی چقدر محتمل است؟
  - ۲- چه میزان از مضامین موجود در متن قابل انتساب به پیامبر اکرم (ص) است؟
- نوشتار حاضر با کاربری روش‌های نقد متن به بررسی انتساب روایت به پیامبر اکرم (ص) از لحاظ ساختار و محتوا می‌پردازد.

### پیشینه تحقیق

پیشینه این پژوهش در میراث اسلامی نیز، در دو بخش پیشینه عام با محوریت توجه به روایات افضلیت پیامبر خاتم و پیشینه خاص با محوریت توجه به روایت مزبور قابل پی‌گیری است؛ در بخش نخست می‌توان از سه مقاله علی راد نام برد که به شماری از روایات تفضیل پیامبر خاتم

توجه داشته است؛ در مقاله «قرآن و آموزه تفضیل پیامبران؛ اسلوب، زمینه‌ها و ماهیت» بخشی به تعیین پیامبر افضل اختصاص یافته و با روی‌کردی توصیفی - تحلیلی مستندات مسلمانان در افضلیت پیامبر اسلام از جمله برخی روایات فریقین گزارش شده است (راد، ۱۳۹۷، صص ۳۳-۳۵). در دو مقاله «روایات تفاضل یونس(ع) و یحیی(ع)؛ تعارض و راه‌کارها» و «حدیث لاتفصلونی علی موسی(ع)؛ روی‌کردها و نظریه معیار» نیز سه روایت با مضمون نهی نبوی از تفضیل پیامبر اسلام بر یونس(ع)، یحیی(ع) (راد، ۱۳۹۴، سراسر) و موسی(ع) (راد، ۱۳۹۳، سراسر) از منظر فقه‌الحدیثی بررسی شده است. وی پس از گزارش آراء عالمان مسلمانان در حل تعارض مفاد روایت با آموزه افضلیت پیامبر خاتم و نقد آن‌ها، دیدگاه نویی در چگونگی رفع تعارض این روایات ارائه کرده است.

پیشینه خاص این نوشتار نیز ناظر به پژوهش‌هایی درباره روایت احتجاج پیامبر با یهودی در برتری خود و اهل بیت او بر پیامبران است. در حد جستجوی نگارنده، پژوهشی تحلیلی یا انتقادی درباره این روایت صورت نگرفته است. برخی عالمان امامیه انتساب روایت به پیامبر اکرم را مفروض پنداشته و در مباحث تفسیری، کلامی، اخلاقی و فقهی به این روایت توجه نشان داده و از آن در تفسیر آیات توبه آدم(ع) (بروجردی، ۱۴۱۶، ج ۵، ص ۳۳۶؛ صادقی تهرانی، ۱۳۹۳، ج ۱۳، ص ۲۸۸؛ معرفت، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۵۰۷؛ بحرانی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۹۷)، طوفان نوح(ع) (نهایندی، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۳۱۷)، نجات ابراهیم(ع) از آتش (بحرانی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۸۲۶، قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۸، ص ۴۳۱؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۳۴۴؛ حویزی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۴۳۸)، رویارویی موسی(ع) با ساحران (شبر، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۱۵۹؛ زبیدی، ۱۴۲۸، ج ۴، ص ۳۶۲؛ بحرانی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۷۶۸، قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۸، ص ۳۲۷) و نهی از خودستایی (قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۱۲، ص ۵۰۷؛ حویزی، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۱۶۵؛ فلسفی، ۱۴۳۱، ج ۴، ص ۵۲۹) بهره برده و در مباحث توسل (سند، ۱۴۲۶، ص ۱۸؛ حسینی اشکوری، ۱۴۲۸، ج ۲، ص ۴۲۱؛ اسماعیلی یزدی، ۱۴۲۸، ج ۱، ص ۱۱۶؛ عاشور، ۱۴۲۷، ج ۲، ص ۱۵۵)، فضیلت پیامبر و اهل‌بیت (نجفی رازی، ۱۳۸۱، ص ۳۱۶؛ بحرانی، ۱۴۲۲، ج ۴، ص ۱۷۹؛ مجلسی، ۱۳۸۳، ج ۵، ص ۷۱؛ استرآبادی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۳۴۴)، ضروریات ایمان (محمدی ری‌شهری، ۱۳۴۲، ج ۵، ص ۲۱۲؛ سند، ۱۴۲۹، ج ۲، ص ۴۴۳) و مهدویت (سبزواری، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۵۴۱؛ طبسی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۳۵۲؛ صافی گلپایگانی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۳۶۰؛ سبحانی، ۱۳۸۵، ص ۱۷۲) بدان استناد کرده‌اند.

همچنین در شرح فقره‌هایی از زیارت جامعه کبیره (کربلایی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۰۷ و ج ۵، ص ۴۹۶؛ احسانی، ۱۴۲۴، ج ۳، ص ۱۸۲ و ج ۱، ص ۹۷ و ج ۴، ص ۱۳۵؛ حسینی میلانی، ۱۳۸۹،

ج ۱، ص ۲۵۳؛ نقوی قائنی، ۱۳۷۸، ص ۱۱۹) و دعای ندبه (موسسه الامام الهادی، ۱۳۹۱، ص ۹۸؛ همتیان، ۱۳۹۰، ص ۵۸)، تبیین آداب دعا (کاشف الغطاء، بی تا، ج ۳، ص ۵۰۰؛ فراهانی، ۱۴۲۷، ص ۵۹؛ تویسرکانی، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۱۱۲؛ تجلیل تبریزی، ۱۴۳۲، ج ۵، ص ۳۷۶)، نکوهش خودستایی (محمدی ری شهری، ۱۳۸۶، ج ۱۴، ص ۳۸۹ و ج ۹، ص ۷۰) و نسخ شرایع پیشین (علوی گرگانی، ۱۴۳۱، ج ۸، ص ۲۱۹) نیز از آن بهره جستند. اما نوشتار حاضر به این روایت از منظری انتقادی نگریسته و می‌کوشد با کاربست روش نقد متن میزان صحت انتساب ساختار و مضمون آن به پیامبر اکرم را ارزیابی کند.

### روش تحقیق

در اصالت سنجی روایت، به دنبال قراینی در ترجیح صحت یا عدم صحت انتساب روایت به پیامبر اکرم هستیم. به دیگر سخن می‌خواهیم بدانیم آیا روایت مزبور از جانب پیامبر و در زمانه وی امکان صدور داشته است؟ و در هنگام تولید با همین ساختار بیان شده یا دستخوش تغییراتی گردیده است؟ (پاکتچی، ۱۳۹۱، ص ۲۰۱). در ادامه ضمن برشماری قراین تردید بر صدور پیکره فعلی روایت از پیامبر، به بررسی یکپارچگی یا تلفیق در ساختار آن می‌پردازیم. امکان‌سنجی صدور روایت در قالب کنونی مبتنی بر قاعده همبستگی متن و منبع در نقد متن صورت می‌گیرد؛ برابر این قاعده «اشتراک محتوای دو متن متمایز بر اشتراک در ریشه انتقال متون دلالت دارد» (Sadeghi, 2010, p.205).

به دیگر سخن چنانچه دو روایت با الفاظ یکسان و اسانید متفاوت نقل شود در منبع اصلی هر دو روایت اشتراکی وجود داشته است (برای توضیح بیشتر نک: قندهاری، ۱۳۹۸، ص ۴۳). بنابراین اگر روایت مورد بحث متشکل از چندین پاره‌روایت باشد باید الفاظ و مفاد آن قطعات با همین طریق یا طرق دیگر در منابع متقدم بر مصدر این روایت وجود داشته باشد که از آن‌ها در ساخت روایت حاضر استفاده شده است (برای توضیح بیشتر نک: لواسانی، ۱۳۹۹، صص ۱۳۰-۱۳۲). از این رو، با مشابه‌یابی بخش‌های اصلی روایت ساختار آن را به آزمون می‌سپاریم.

سپس به سنجش مضامین مندرج در متن خواهیم پرداخت. متن روایت، دربردارنده مفاهیم متعددی چون تفضیل پیامبران، افضلیت پیامبر خاتم، توسل پیامبران پیشین به پیامبر اکرم و اهل بیت او و اقتدای حضرت عیسی (ع) به حضرت مهدی (ع) است که انتساب آن به پیامبر مستلزم رواج گفتمان‌های تفضیل انبیاء، شفاعت، توسل، مهدی‌باوری و نگره‌های وابسته به آن‌ها در عصر نبوی است. با توجه به اینکه گفتمان را می‌توان شیوه تعامل افراد با پدیده‌ها در بافت دانست

و کنش‌های زبانی - به مثابه یکی از ابزار تعامل - نیز خارج از چارچوب گفتمان شکل نمی‌گیرند، نشانه‌های یک گفتمان را می‌توان در کنش‌های زبانی افراد آن جامعه جست (نصراوی و گرامی، ۱۳۹۶، ص ۲۳۷؛ برای توضیح بیشتر و نمونه‌ای از کاربرد آن رک: راد، ولایتی، ۱۳۹۵، صص ۱۷۰-۱۷۲). از این رو، کنش‌های زبانی پرتکرار راهی به سوی احراز وجود یک گفتمان در جامعه می‌گشاید. با توجه به نکته یاد شده و نقش قرینه‌گون گزارش‌های متعدد با مضامین مشترک در احراز اصالت روایات (گرامی، ۱۳۹۶، ص ۹۶) امکان انتساب مفاد روایت به پیامبر بر اساس میزان فراوانی مفاهیم محوری آن در مجموعه روایات منسوب نبوی سنجیده می‌شود.

### ۱. امکان سنجی صدور روایت در قالب کنونی

به نظر می‌رسد متن روایت شامل چند بخش مجزاست که بر محور موضوعی واحد گرد آمده‌اند؛ بخش نخست مقدمه‌ای بر چگونگی آغاز گفتگو میان پیامبر و یهودی است و مخاطب را تا آستانه کلام پیامبر پیش می‌برد. پاسخ پیامبر نیز از حداقل سه بخش با موضوعات جداگانه تشکیل شده است. بخش نخست با «إِنَّهُ يُكْرَهُ لِلْعَبْدِ...» شروع و پس از برشماری توسل چهار تن از انبیای الهی به پیامبر اکرم و آل او پایان می‌پذیرد. در این بخش برتری پیامبر خاتم و خاندان او بر پیامبران پیش گفته اثبات می‌شود و پرسش یهودی پاسخ می‌گیرد. اما فقره بعد با تکرار خطاب «یا یهودی» و اعلام لزوم پیروی موسی از پیامبر اکرم در صورت درک ایشان، شاهد دیگری بر بخش پیشین می‌افزاید. ابتدای بخش بعدی «یا یهودی» بازگو می‌شود و با اشاره به پیوند منجی موعود با پیامبر و اقتدای عیسی (ع) به او فضیلت دیگری عیان و بر افضلیت خاتم پیامبران تأکید می‌شود.

تفرد متنی و سندی روایت، کامل بودن و خودبسندگی معنایی یکایک بخش‌ها، تنوع موضوعی و بافت آن‌ها احتمال عدم صدور این هیئت از روایت توسط پیامبر را به ذهن می‌آورد. گویی زنجیره‌های جدا اما برخوردار از ظرفیت القای معنای برتری پیامبر اکرم، با یکدیگر پیوند یافته تا افضلیت وی تثبیت شود. به منظور بررسی احتمال تجمیع روایات مختلف و ارائه پیوستاری از آن‌ها در روایت حاضر، به جستجوی هر یک از فقرات نام‌برده در تراث اسلامی موجود کهن‌تر از مصدر روایت یعنی *امالی* ابن بابویه و کشف مشابهاات آن می‌پردازیم.

#### ۱-۱. بررسی بخش «إِنَّهُ يُكْرَهُ لِلْعَبْدِ... إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَى»

این بند، ذکر گره‌گشا در توبه آدم (ع)، نجات نوح (ع) از غرق، ایمنی ابراهیم (ع) از آتش و آرام‌بخشی موسی (ع) در رویارویی با ساحران را «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ (ع)» معرفی می‌کند.



### ۱-۱-۱. بازیابی نمونه‌های مشابه

کاوش مصادیق توسل سایر پیامبران به پیامبر اکرم و اهل بیت او در تراث اسلامی ۴ سده نخست هجری نمونه‌های معدود و پراکنده‌ای را در اختیار قرار می‌دهد؛ موضوع توسل پیامبران پیشین به پیامبر خاتم و اهل بیت او در روایات منسوب نبوی، بیشتر معطوف به توبه حضرت آدم (ع) بوده و - غیر از روایت پیش رو - در یک نمونه به توسل خود پیامبر خاتم، آدم (ع)، ادریس (ع)، نوح (ع) و ابراهیم (ع) با ذکر «أَسْأَلُكَ بِجَاهِهِ/ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ» به ترتیب برای اعجاز آفرینی، توبه، عروج، نجات از کرب عظیم و آتش اشاره شده است (تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع)، ۱۴۰۹، صص ۲۸۵-۲۸۹).

این موضوع در اخبار منسوب به برخی صحابه و ائمه نیز مشاهده می‌شود؛ برابر مفاد این اخبار، ابن عباس دعای «يَا رَبِّ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحُسَيْنِ وَ الْحُسَيْنِ» را تعلیم جبرئیل به یعقوب (ع) برای طلب بینایی و وصال یوسف (ع) و بنیامین می‌داند و آن را ذکر توبه آدم (ع)، نجات نوح (ع) از غرق و سلامت ابراهیم (ع) در آتش معرفی می‌کند (ابن بابویه، ۱۴۳۵، صص ۲۴۶-۲۵۱). حضرت علی (ع) از گرفتاری سه نفر در غار خبر می‌دهد که به هنگام نومیدی، امدادخواهی موسی (ع) و پیامبران بعدی‌اش از محمد و آل او (ع) را یادآور می‌شوند و ضمن برشماری نیکی‌هایشان با عبارت «فَأَرْجِعْنَا عَنَّا مُحَمَّدًا الْأَفْضَلَ الْأَفْضَلِ الْأَكْرَمِ سَيِّدِ الْأَوْلِيَيْنِ وَ الْآخِرِينَ الَّذِي شَرَفْتَهُ وَ بِآلِهِ أَفْضَلُ آلِ النَّبِيِّينَ وَ أَصْحَابِهِ أَكْرَمِ أَصْحَابِ الْمُرْسَلِينَ وَ أُمَّتِهِ خَيْرِ الْأُمَّمِ أَجْمَعِينَ» از خداوند مدد می‌جویند (تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع)، ۱۴۰۹، صص ۳۹۸-۴۰۱).

گفتنی است، مضمون اصلی این روایت در مصادر کهن‌تر فریقین از طریق راویان شیعی و سنی چون جابر جعفی و عبدالله بن عمر به پیامبر و تهی از عبارت بالا گزارش شده است<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> «عَنْهُ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نُجْرَانَ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ جَابِرِ الْجُعْفِيِّ رَفَعَهُ قَالَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) خَرَجَ ثَلَاثَ نَعْرٍ يَسْبِغُونَ فِي الْأَرْضِ فَبَيْنَمَا هُمْ يُعْبُدُونَ اللَّهَ فِي كَهْفٍ فِي قَلْعٍ فِي جَبَلٍ حَيْثُ بَدَتْ صَخْرَةٌ مِنْ أَعْلَى الْجَبَلِ حَتَّى اتَّقَمَتْ بَابَ الْكَهْفِ فَقَالَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عِبَادَ اللَّهِ وَ اللَّهُ مَا يُنْجِيكُمْ مِمَّا وَفَعْتُمْ إِلَّا أَنْ تَصُدُّوا اللَّهَ فَهَلُمُّ مَا عَمِلْتُمْ لِلَّهِ خَالِصًا فَإِنَّمَا ابْتَلَيْتُمْ بِالذُّنُوبِ فَقَالَ أَحَدُهُم لِلَّهِمَّ إِن كُنْتَ تَعْلَمُ أَنِّي طَلَبْتُ امْرَأَةً حُسْنَهَا وَ جَمَالَهَا فَأَعْطَيْتَ فِيهَا مَا لَمْ أَضْحِكْ حَتَّى إِذَا قَدَرْتُ عَلَيْهَا وَ جَلَسْتُ مِنْهَا مَجْلِسَ الرَّجُلِ مِنَ الْمَرْأَةِ ذَكَرْتُ النَّارَ فَكُنْتُ عَنْهَا فَرَقًا مِنْكَ اللَّهُمَّ فَارْفَعْ عَنَّا هَذِهِ الصَّخْرَةَ فَانْصَدَعَتْ حَتَّى نَنْظُرُوا إِلَى الصَّدْعِ ثُمَّ قَالَ الْآخَرُ لِلَّهِمَّ إِن كُنْتَ تَعْلَمُ أَنِّي اسْتَأْجَرْتُ قَوْمًا يَخْرُتُونَ كُلُّ رَجُلٍ مِنْهُمْ بِبَصْفِ دَرَاهِمٍ فَلَمَّا فَرَعُوا أُعْطِيَتْهُمْ أُجُورُهُمْ فَقَالَ أَحَدُهُمْ قَدْ عَمِلْتُ عَمَلًا ائْتَيْنِي وَ اللَّهُ لَا آخِذَ إِلَّا دِرْهَمًا وَاحِدًا وَ تَرَكْتُ مَالَهُ عِنْدِي فَبَدَرْتُ بِذَلِكَ التَّصَنُّفِ الدَّرَاهِمِ فِي الْأَرْضِ فَأَخْرَجَ اللَّهُ مِنْ ذَلِكَ رِزْقًا وَ جَاءَ صَاحِبُ التَّصَنُّفِ الدَّرَاهِمِ فَارَادَهُ فَدَفَعْتُ إِلَيْهِ ثَمَانِ عَشْرَةَ أَلْفًا فَإِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّمَا فَعَلْتَهُ مَخَافَةَ مِنْكَ فَارْفَعْ عَنَّا هَذِهِ الصَّخْرَةَ قَالَ فَانْفَرَجَتْ عَنْهُمْ حَتَّى نَظَرَ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ ثُمَّ إِنَّ الْآخَرَ قَالَ لِلَّهِمَّ إِن كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ أَبِي وَ أُمِّي كَانَا نَاتِمَيْنِ فَأَتَيْتُهُمَا بِعُغْبٍ مِنْ لَبَنٍ فَخَفْتُ أَنْ إِضْعَعُهُ أَنْ تَمُجَّ فِيهِ هَامَةٌ وَ كَرِهْتُ أَنْ أَوْقِطَهُمَا مِنْ تَوْمِهِمَا فَيَشْتَقُ ذَلِكَ عَلَيْهِمَا فَلَمْ أَرَأْ كَذَلِكَ حَتَّى اسْتَيْقِظَا وَ شَرِبَا لِلَّهِمَّ فَإِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنِّي كُنْتُ فَعَلْتُ ذَلِكَ ائْتِعَاءَ وَجْهِكَ فَارْفَعْ عَنَّا هَذِهِ الصَّخْرَةَ فَانْفَرَجَتْ لَهُمْ حَتَّى سَهَّلَ لَهُمْ طَرِيقَهُمْ ثُمَّ قَالَ النَّبِيُّ (ص) مَنْ صَدَّقَ اللَّهَ نَجَا (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۲۵۳).

(برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۲۵۳؛ ابن حنبل، ۱۴۱۶، ج ۱۰، ص ۱۸۱؛ ابوداود، ۱۴۲۰، ج ۳، ص ۱۴۷۲، مسلم، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۲۰۹۹).

احتمال دارد روایت موجود در تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع) پردازشی از همین روایت باشد که سبب تردید در انتساب این داده به حضرت علی (ع) است؛ چه یگانه مصدر گزارش‌گر این هیأت از روایت، تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع) است که احتمال وام‌گیری روایات ریشه‌دار در منابع معتبر و پردازش آن‌ها در آن بعید نیست (برای نمونه نک: روایت واقعه عقبه در تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع)، ۱۴۰۹، صص ۳۸۰-۳۸۹ و نقد آن در: شوشتری، بی تا، ج ۱، ص ۲۱۲).

حضرت رضا(ع)، دعای نوح(ع) موقع هراس از غرق، ابراهیم(ع) در آستانه ورود به آتش، موسی(ع) برای شکافت دریا و عیسی(ع) هنگام آگاهی از تصلیب را توأم با سوگند به حق اهل بیت «دَعَا اللَّهَ بِحَقِّنَا» می‌داند (ابن بابویه، ۱۳۸۱، ص ۹۴) و حضرت عسکری(ع) در طی روایتی داستان‌گونه، از توسل حضرت موسی(ع) در دشواری‌های رسالتش چون احیای صاعقه‌زدگان، شکافت دریا، طلب آب برای بنی اسرائیل و ... با عبارت «اللَّهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ» و «اللَّهُمَّ بِجَاهِ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ» یاد می‌کند (تفسیر منسوب به امام حسن عسکری(ع)، ۱۴۰۹ق، صص ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۵۷ و ۲۶۱).

### ۱-۱-۲. نسبت مشابهات با بخش اول

نمونه‌های مشابه این بخش همگی در مصادر امامی بازتابیده‌اند. در میان آن‌ها مشابه لفظی فقره مورد نظر، مشاهده نمی‌شود اما شماری از آن‌ها به موضوع توسل برخی پیامبران پیشین چون آدم(ع)، نوح(ع)، ابراهیم(ع) و موسی(ع) (پیامبران مشترک با بخش مورد بحث) به پیامبر اکرم و اهل بیت او اشاره کرده‌اند که می‌توانند مشابه معنوی فقره مزبور قلمداد شوند. با این حال، میان روایات یاد شده و بخش مورد بحث، تفاوت قابل ملاحظه‌ای در واژگان، اسلوب بیانی، بافت، تعداد و هویت پیامبران و تنگناهای بیان شده وجود دارد و تنها اشتراک مضمونی آن‌ها در توبه آدم(ع)، نجات نوح(ع) از غرق و ایمنی ابراهیم(ع) از آتش با توسل به پنج تن یا اهل بیت است. از این رو، احتمال وام‌گیری روایت حاضر از آن‌ها جز در مورد آدم(ع)، نوح(ع) و ابراهیم(ع) بعید می‌نماید.

هم‌چنین تکرار اسلوب بیانی درباره هر پیامبر و کاربست ترجیع‌بند «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لَمَّا...» که سبب تمایز این روایت از دیگر روایات هم‌خانواده‌اش را فراهم آورده احتمال‌سازی آن مبتنی بر گفتمان توسل سایر پیامبران به نبی خاتم با الگوی مشترک را به

ذهن متبادر می‌کند. به هر روی نمی‌توان لزوماً این بخش را رونوشتی از روایت دیگر دانست و منبع مشخصی برای آن معرفی کرد. بویژه که از مجموع ۵ روایت مشابه، ۳ روایت فاقد سند بوده و مصدر دو روایت مسند نیز آثار دیگر ابن بابویه است.

### ۱-۲. بررسی بخش «یا یهودی! ان موسی لو ادرکنی... لا نفعته النبوة»

این فقره الهام‌بخش لزوم تبعیت مطلق از پیامبر اکرم به مثابه راه نجات است چنان‌که اگر موسی (ع) هم زمانه پیامبر خاتم را درک می‌کرد بایستی به نبوت او ایمان می‌آورد و سرپیچی از او، ایمان و رسالت وی را نیز تباه می‌ساخت.

### ۱-۲-۱. بازبایی نمونه‌های مشابه

جستجوی مشابهات لفظی و معنوی این بخش، در روایات منسوب به پیامبر اکرم چند نکته را روشن می‌سازد؛ عین این عبارت در دیگر روایات منسوب به پیامبر بیان نشده است. مشابه معنوی آن نیز به صورت سلبی و ترکیبی از عمل کرد و جزا یعنی عدم ایمان به پیامبر خاتم و در پی آن حبط ایمان و نبوت موسوی، در روایات منسوب به پیامبر مشاهده نمی‌شود. اما مشابه معنوی ایجابی این فقره با مفهوم لزوم تبعیت موسی (ع) از پیامبر در صورت درک زمانه وی را می‌توان در تراث حدیثی پی‌گرفت.

در مجموعه روایات بیان‌گر تمایل عمر بن خطاب به مکتوبات اهل کتاب و نهی پیامبر از رجوع مسلمانان به ایشان مانند روایت «هشام عن مجالد عن الشعبي عن جابر ان عمر بن الخطاب اتى النبي (ص) بكتاب اصابه من بعض اهل الكتاب فقال يا رسول الله اني اصبت كتابا حسنا من بعض اهل الكتاب قال فعضب وقال: ائمتهم كون فيها يا ابن الخطاب فوالذي نفسي بيده لقد جئتكم بها بيضاء نقية لا تسألوه عن شيء فيحربوكم بحق فتكذبوا به او يباطل فتصدقوا به والذي نفسي بيده لو كان موسى كان حيا ما وسعه الا ان يتبعني» (ابن ابی شیبیه، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۳۱۲)، عبارات «لو كان موسى حيا ما وسعه الا اتباعي / ان يتبعني» (ابن سلام، ۱۳۸۴، ج ۳، صص ۲۸-۲۹؛ ابن ابی شیبیه، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۳۱۲؛ جصاص، ۱۴۰۵، ج ۳، ص ۲۲؛ ابن بابویه، ۱۴۰۳، ص ۲۸۲؛ دارقطنی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۹۸)، «لو كان موسى حيا بين اظهركم ما حل له الا ان يتبعني» (ابن حنبل، ۱۴۱۶، ج ۲۲، ص ۴۶۸؛ ابن شاذان، ۱۳۶۳، ص ۳۱۱؛ ابویعلی، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۱۰۲) و «لو بدا لكم موسى... و لو كان حيا و ادرک نبوتی لا يتبعني» (دارمی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۲۶) دیده می‌شود.

### ۱-۲-۲. نسبت مشابهات با بخش دوم

به نظر می‌رسد علی رغم تفاوت واژگانی، با ابتناء بر همسانی اسلوب و بن‌مایه عبارت بتوان منبع این بخش را روایات نهی نبوی از رجوع به اهل کتاب دانست؛ گویی فقره «یا یهودیُّ إِنَّ مُوسَى لَوْ أَذْرَكْنِي...» از پاره روایت «لَوْ كَانَ مُوسَى حَيًّا...» وام گرفته و در فرآیند تقطیع و احتمالاً گرت‌برداری از مجموعه روایات «مَنْ سَمِعَ بِي مِنْ أُمَّتِي أَوْ يَهُودِيٍّ أَوْ نَصْرَانِيٍّ فَلَمْ يُؤْمِنْ بِي لَمْ يَدْخُلِ الْجَنَّةَ / دَخَلَ النَّارَ / كَانَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ» (ابن حنبل، ۱۴۱۶، ج ۳۲، ص ۳۰۵؛ ابن داود طیالسی، بی تا، ص ۶۹؛ مسلم، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۱۳۴؛ صنعانی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۳۰۳) و نقل به معنا بدین صورت پردازش شده است. از این جهت فقره مزبور مبتنی بر گونه‌ای از روایات منسوب به پیامبر است که از بافت اصلی خود (نهی از رجوع به اهل کتاب) جدا شده و در سیاق تفضیل پیامبر اکرم جای گرفته است.

### ۱-۳-۳. بررسی بخش «وَمِنْ ذُرِّيَّتِي الْمَهْدِيِّ... صَلَّى خَلْفَهُ»

این عبارت در بردارنده سه نگره «مهدی(ع)؛ ذریه پیامبر خاتم»، «نزول عیسی(ع) برای کمک به مهدی» و «اقتدای عیسی(ع) به مهدی(ع)» است.

#### ۱-۳-۱. بازیابی نمونه‌های مشابه

برابر مشابه‌یابی این فقره، عین عبارت در روایات منسوب به پیامبر دیده نمی‌شود اما مشابه لفظی آن با اندکی تغییر به صورت «... الْمَهْدِيُّ الَّذِي يُصَلِّي عِيسَى خَلْفَهُ مِنْكَ...» (کوفی، ۱۴۱۰، ص ۴۶۵)، «مِنَّا / مَهْدِيُّ هَذِهِ الْأُمَّةِ الَّذِي يُصَلِّي عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ خَلْفَهُ» (ابن عقده کوفی، ۱۴۲۴، ص ۲۵-۲۶؛ مقدسی، ۱۳۹۹ق، ص ۸۴ به نقل از مناقب المهدی ابونعیم اصفهانی)، «... أَخْرَجَهُمْ يُصَلِّي عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ خَلْفَهُ» (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص ۵۸)، «... إِذَا خَرَجَ الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي نَزَلَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ فَصَلَّى خَلْفَهُ...» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۲، ص ۲۰۲)، «... يَخْرُجُ فِيهِ وَوَلَدِي الْمَهْدِيُّ فَيَنْزِلُ رُوحُ اللَّهِ عِيسَى بَنُ مَرْيَمَ فَيُصَلِّي خَلْفَهُ...» (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق، ج ۱، ص ۲۸۰) از پیامبر اکرم گزارش شده است.

افزون بر این، در روایات غیر نبوی هم در کهن‌ترین مصادر گونه موقوف آن به صورت «الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَنْزِلُ عَلَيْهِ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَ يُصَلِّي خَلْفَهُ عِيسَى» (ابن حماد، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۳۷۳) و گونه مقطوع آن به صورت «الْمَهْدِيُّ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَ هُوَ الَّذِي يُؤْمُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ» (همان؛ ابن ابی شیبیه، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۵۱۳) و «... الْمَهْدِيُّ الَّذِي يُصَلِّي وَرَاءَهُ عِيسَى» (صنعانی، ۱۴۰۳، ج ۱۱، ص ۳۹۹) اشاره شده است و در دیدار راهب نصرانی با حضرت علی(ع) با عبارت «... حَتَّى يُنْزَلَ

[الله] عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ عَلَىٰ آخِرِهِمْ فَيُصَلِّيَ [عِيسَى] حَلْفَهُ...» و «... آخِرُهُمُ الَّذِي يُصَلِّيَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ حَلْفَهُ...» (هلالی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۷۰۷ و ۷۰۸) و در روایات صادقین (ع) با عبارات «... إِنَّ عِيسَى يَنْزِلُ قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ إِلَى الدُّنْيَا فَلَا يَبْقَى أَهْلٌ مِلَّةَ يَهُودِيٍّ وَلَا نَصْرَانِيٍّ إِلَّا آمَنَ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَ يُصَلِّيَ حَلْفَ الْمَهْدِيِّ...» (قمی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۵۸)، «... حَتَّى يَنْزِلَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ مِنَ السَّمَاءِ وَ يَقْتُلَ اللَّهُ الدَّجَالَ عَلَى يَدَيْهِ [يَدِهِ] وَ يُصَلِّيَ بِهِمْ رَجُلٌ مِّنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ أَلَا تَرَى أَنَّ عِيسَى يُصَلِّيَ حَلْفَنَا وَ هُوَ نَبِيٌّ إِلَّا وَ نَحْنُ أَفْضَلُ مِنْهُ...» (کوفی، ۱۴۱۰، ص ۱۳۹) و «... مِنْكُمْ الْقَائِمُ يُصَلِّيَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ حَلْفَهُ إِذَا أَهْبَطَهُ اللَّهُ إِلَى الْأَرْضِ...» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱۵، ص ۱۳۴) مورد توجه قرار گرفته است.

### ۲-۳-۱. نسبت مشابهات با بخش سوم

مصدر برخی نمونه‌های مشابه، دیگر تألیفات ابن بابویه است اما نمونه‌های متعددی در مصادر کهن و متقدم بر ابن بابویه نیز ملاحظه می‌شود. از این رو، نظر به شباهت الفاظ و اسلوب بیانی امکان برگرفتن بخش مورد نظر از منابع پیشین هست. هر چند شناسایی قطعی منبع مشخص با داده‌های کنونی میسر نبوده و نیازمند دست‌یابی به قراین دیگری است. از طرفی، مشابهات این فقره غالباً در سیاق حوادث آخرالزمان به کار رفته (برای نمونه استثنا نک: ابن بابویه، ۱۳۹۵ق، ج ۱، ص ۲۸۰) و تنها در دو دسته از روایات، کارکرد فضیلتی داشته است؛ دسته نخست روایاتی که بافت آخرالزمانی دارند اما ضمن آن از اقتدای مسیح به پیشوای مسلمین (عنوان عام) به مثابه کرامتی بر امت اسلام یاد شده (برای نمونه: ابن حنبل، ۱۴۱۶، ج ۲۳، ص ۳۳۵؛ صنعانی، ۱۴۰۳، ج ۱۱، ص ۴۰۰) و دسته دیگر در قالب بشارت به پیامبر (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱۵، صص ۱۳۳-۱۳۴)، علی (ع) (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص ۵۷) و فاطمه (س) (کوفی، ۱۴۱۰، ص ۴۶۵؛ اربلی، ۱۳۸۱ق، ج ۲، ص ۴۸۲) و در زمره فضایل اهل بیت پیامبر بیان شده اما هیچ یک از این موارد در بافتار تفاضل انبیاء نیست بدین جهت، احتمال جداسازی آن از بافت اصلی و جانمایی در بافت تفاضل انبیاء قابل طرح است.

### ۴-۱. تحلیل ساختار روایت

برآیند مشابه‌یابی بخش‌های قابل تجزیه روایت در تراث اسلامی موجود کهن‌تر از امالی، احتمال تلفیقی بودن ساختار روایت را قوت می‌بخشد؛ چه وام‌گیری دو بخش پایانی روایت از منابع پیشین بر پایه شباهت لفظی، معنایی و اسلوب بیانی ممکن است. وانگهی در منابع پیشین دو بخش پایانی در بافت نهی از رجوع به اهل کتاب و حوادث آخرالزمان قرار داشته و کارکرد آن‌ها در تفضیل پیامبر اکرم بر دیگر پیامبران روشن نیست. از این رو، به نظر می‌رسد دو پاره‌روایت با

ظرفیت القای معنای افضلیت پیامبر اکرم، به بخش نخست روایت مورد بحث اضافه شده است که صدور آن در قالب کنونی را مورد تردید قرار می‌دهد. شناسایی تلفیق‌کننده احتمالی در این مجال ممکن نیست اما نظر به وجود بخش‌های مختلف روایت در مصادر صرفاً شیعی و صرفاً غیر شیعی، تلفیق‌کننده باید توأمان آشنای با میراث شیعه و عامه باشد.

## ۲. سنجش انتساب مضامین متن به پیامبر

چنان‌که گفته آمد برای سنجش انتساب مضامین به پیامبر، میزان بازتاب آن‌ها در مجموعه روایات منسوب به پیامبر اکرم را مد نظر قرار می‌دهیم. نظر به اینکه داده‌های بدست آمده رهاورد مشابهه-یابی بندهای مختلف روایت در بخش ساختار متن است، معیار داوری در باب بسامد مضامین در روایات منسوب نبوی تراث اسلامی چهار سده نخست هجری است که مهم‌ترین منابع در شناخت نگره‌های موجود در صدر اسلام نیز به شمار می‌روند.

### ۲-۱. توسل پیامبران پیشین به پیامبر خاتم و آل او

مصادیق توسل سایر پیامبران به پیامبر اکرم و اهل بیت او در روایات منسوب نبوی ۴ سده نخست هجری، پرشمار نیست. این موضوع در روایات منسوب به پیامبر، بیشتر معطوف به توبه حضرت آدم(ع) بوده و - غیر از روایت پیش‌رو - در یک روایت بازتابیده است. مجموعه روایات نبوی توبه آدم(ع) با توسل به پیامبر و آل او در رساله نگارنده بررسی شده و در این مجال به بیان لزوم احتیاط در انتساب آن‌ها به پیامبر اکتفا می‌کنیم (برای نمونه رک: راد، عطایی نظری، ۱۳۹۹، سراسر). اما در خصوص سایر پیامبران روایتی منسوب به امام حسن عسکری(ع) گزارش‌گر درخواست معجزه اقتراحی یهودیان و در پی آن اعجاز پیامبر اکرم با تمسک به محمد(ص) و آل اوست که در ضمن آن به توسل نوح(ع) و ابراهیم(ع) نیز اشاره شده است:

«قال الامام(ع) ... هَذَا التَّفْرِيعُ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى لِلْيَهُودِ وَ النَّوَاصِبِ وَ الْيَهُودُ جَمَعُوا الْأَمْرَيْنِ وَ افْتَرَقُوا الْخَطِيئَتَيْنِ فَعَلَّطَ عَلَى الْيَهُودِ مَا وَجَّهَهُمْ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ فَقَالَ جَمَاعَةٌ مِنْ رُؤَسَائِهِمْ وَ ذَوِي الْأَلْسُنِ وَ الْبَيَانِ مِنْهُمْ: يَا مُحَمَّدُ إِنَّكَ تَهْجُونَا وَ تَدْعِي عَلَيَّ قُلُوبِنَا... فَقَالُوا: يَا مُحَمَّدُ زَعَمْتَ أَنَّهُ مَا فِي قُلُوبِنَا شَيْءٌ مِنْ مُوَاسَاةِ الْفُقَرَاءِ وَ مُعَاوَنَةِ الضُّعَفَاءِ وَ النَّفَقَةِ فِي إِبْطَالِ الْبَاطِلِ وَ إِحْقَاقِ الْحَقِّ وَ أَنَّ الْأَحْجَارَ أَلْيُّ مِنْ قُلُوبِنَا وَ أَطْوَعُ لِلَّهِ مِنَّا وَ هَذِهِ الْجِبَالُ بِحَضْرَتِنَا فَهَلُمَّ بِنَا إِلَى بَعْضِهَا فَاسْتَشْهِدْهُ عَلَى تَصْدِيقِكَ وَ تَكْذِيبِنَا فَإِنْ نَطَقَ بِتَصْدِيقِكَ فَأَنْتَ الْمُحَقِّقُ... فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ نَعَمْ هَلُمُّوا بِنَا إِلَى أَيُّهَا شِئْتُمْ اسْتَشْهِدْهُ لِيْشْهَدَ لِيْ عَلَيْكُمْ فَخَرَجُوا إِلَى أَوْعَرِ جَبَلٍ رَأَوْهُ فَقَالُوا: يَا مُحَمَّدُ هَذَا الْجَبَلُ فَاسْتَشْهِدْهُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ لِلْجَبَلِ: إِنِّي أَسْأَلُكَ بِجَاهِ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الَّذِينَ يَذْكُرُ أَسْمَائِهِمْ حَقَّفَ اللَّهُ الْعَرْشَ عَلَى كَوَاهِلِ مَمَائِنَةٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ بَعْدَ أَنْ لَمْ يَقْدِرُوا عَلَى تَحْرِيكِهِ وَ هُمْ

خَلَقَ كَثِيرًا لَا يَعْرِفُ عَدَدَهُمْ عَزَّ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الَّذِينَ بِذِكْرِ أَسْمَائِهِمْ تَابَ اللَّهُ عَلَى آدَمَ وَ عَفَرَ خَطِيئَتَهُ وَ أَعَادَهُ إِلَى مَرْتَبَتِهِ وَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الَّذِينَ بِذِكْرِ أَسْمَائِهِمْ وَ سُؤَالَ اللَّهِ بِهِمْ رُفِعَ إِدْرِيْسُ فِي الْجَنَّةِ [مَكَانًا] عَلِيًّا، لَمَّا شَهِدَتْ لِمُحَمَّدٍ بِمَا أَوْدَعَكَ اللَّهُ بِتَصَدِيقِهِ عَلَى هَؤُلَاءِ الْيَهُودِ فِي ذِكْرِ قَسَاوَةِ قُلُوبِهِمْ وَ تَكْذِيبِهِمْ وَ جَحْدِهِمْ لِقَوْلِ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ فَتَحَرَّكَ الْجَبَلُ وَ تَزَلَّزَلَ وَ فَاضَ مِنْهُ الْمَاءُ وَ نَادَى: يَا مُحَمَّدُ أَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُ [اللَّهِ] رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ سَيِّدِ الْخَلَائِقِ أَجْمَعِينَ... ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: وَ أَسْأَلُكَ أَيُّهَا الْجَبَلُ أَمَرَكَ اللَّهُ بِطَاعَتِي فِيمَا أَلْتَمِسُهُ مِنْكَ بِجَاهِ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الَّذِينَ بِهِمْ نَجَّى اللَّهُ تَعَالَى نُوحًا مِنَ الْكُرْبِ الْعَظِيمِ وَ بَرَّدَ اللَّهُ النَّارَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ جَعَلَهَا عَلَيْهِ سَلَامًا وَ مَكَّنَهُ فِي جَوْفِ النَّارِ عَلَى سَرِيرٍ وَ فَرَّشٍ وَثِيرٍ... قَالَ الْجَبَلُ: بَلَى، أَشْهَدُ لَكَ يَا مُحَمَّدُ بِذَلِكَ... فَإِنْ كُنْتَ صَادِقًا فَتَنَحَّ عَنْ مَوْضِعِكَ هَذَا إِلَى ذَلِكَ الْفَرَارِ وَ أَمُرُ هَذَا الْجَبَلِ أَنْ يَنْفَلِعَ مِنْ أَصْلِهِ... ثُمَّ نَادَى الْجَبَلُ: يَا أَيُّهَا الْجَبَلُ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الَّذِينَ بِجَاهِهِمْ وَ مَسْأَلَةَ عِبَادِ اللَّهِ بِهِمْ... لَمَّا انْفَلَعَتْ مِنْ مَكَانِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ جِئْتَ إِلَى حَضْرَتِي هَذِهِ... فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ: إِنَّ هَؤُلَاءِ [الْمُعَانِدِينَ] افْتَرَحُوا عَلَيَّ أَنْ أَمُرَكَ أَنْ تَنْفَلِعَ مِنْ أَصْلِكَ فَتَصِيرَ نِصْفَيْنِ ثُمَّ يَنْحَطُّ أَعْلَاكَ وَ يَرْتَفِعُ أَسْفَلَكَ فَتَصِيرَ ذُرُوتُكَ أَصْلَكَ وَ أَصْلُكَ ذُرُوتَكَ فَقَالَ الْجَبَلُ: أَ فَتَأْمُرُنِي بِذَلِكَ يَا رَسُولَ رَبِّ الْعَالَمِينَ قَالَ: بَلَى، فَانْقَطِعْ [الْجَبَلُ] نِصْفَيْنِ وَ انْحَطَّ أَعْلَاهُ إِلَى الْأَرْضِ وَ ارْتَفَعَ أَسْفَلُهُ فَوْقَ أَعْلَاهُ...» (تفسير منسوب به امام حسن عسکری (ع)، ۱۴۰۹، صص ۲۸۳-۲۸۹).

یگانه مصدر این روایت، تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع) است که ابن بابویه نیز آن را به اختصار گزارش کرده است (ابن بابویه، ۱۳۸۱، صص ۳۲۵-۳۲۷). به نظر می‌رسد بی‌اعتباری مصدر (شوشتری، بی‌تا، ج ۱، صص ۱۵۲-۲۲۹؛ مددی، ۱۳۹۳، ج ۱، صص ۳۳۱-۳۰۲؛ انصاری، ۱۳۹۶، صص ۱۱۷-۱۴۰) و تفرد آن، فقدان سند، زبان داستان‌سرایانه و درازای متن به ضمیمه تفرد نقل کرامتی عیان و قاطع، در بی‌اعتمادی به انتساب این عبارات به پیامبر اکرم کافی باشد. چنان‌که در بخش بررسی ساختار متن بیان شد، مفهوم توسل پیامبران پیشین - غیر از آدم (ع) - به پیامبر اکرم در مصادر ۴ سده نخست هجری از زبان سایر صحابه، تابعین و ائمه نیز بسامد قابل توجهی ندارد. وانگهی شواهد موجود نیز - گذشته از آسیب‌های سندی و متنی پاره‌ای از آن‌ها - به صورت پراکنده و متفرد در تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع)، تفسیر عیاشی (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۲، ص ۱۹۸)، امالی و کتاب النبوه ابن بابویه منعکس شده است که از مصادر فرعی امامیه به شمار رفته و اعتبار برخی از آن‌ها مورد تردید است. به هر روی، عدم فراوانی مفهوم توسل جمعی از پیامبران پیشین به پیامبر اکرم و اهل بیت او در روایات منسوب نبوی و عدم احراز اصالت تک‌نمونه حاکی از آن، سبب تردید در صدور نبوی این عبارات بوده چنان‌که بر اساس داده‌های کنونی نمی‌توان بر انتساب آن به پیامبر اعتماد کرد.

## ۲-۲. لزوم ایمان آوری موسی به پیامبر اکرم

چنان‌که در بخش ساختار متن گفته شد، تنها اشارت بدین معنا، در دسته‌ای از روایات نهی پیامبر از رجوع به اهل کتاب با عبارت «لَوْ كَانَ مُوسَى حَيًّا مَا وَسِعَهُ إِلَّا اتِّبَاعِي» و صور مختلف آن دیده می‌شود که بیان‌گر لزوم ایمان آوری موسی به پیامبر اکرم در صورت همزمانی آن دو است و می‌تواند شاهدی بر بیان این موضوع از جانب پیامبر تلقی گردد.

صورت کامل یا مختصر روایات نهی نبوی از رجوع به اهل کتاب از طریق مجالد از عامر شعبی از جابر بن عبدالله به ترتیب تاریخی در غریب‌الحديث قاسم بن سلام (د. ۲۲۴)، المصنف ابن ابی شیبیه (د. ۲۳۵)، مسند احمد بن حنبل (د. ۲۴۱)، سنن دارمی (د. ۲۵۵)، الايضاح منتسب به فضل بن شاذان (د. ۲۶۰)، مسند ابی یعلی (د. ۳۰۷)، الفصول فی الاصول جصاص (د. ۳۷۰) و معانی الاخبار ابن بابویه (د. ۳۸۱) بیان شده است.

پی‌گیری خانواده این روایت، صورت‌ها و طرق دیگری از آن را هم نمایان می‌کند. شکل کامل یا تقطیع شده روایات بازداري پیامبر نسبت به بهره‌جویی معرفتی مسلمانان از اهل کتاب با طرق متعدد - به جز جابر بن عبدالله - از عبدالله بن ثابت (صنعانی، ۱۴۰۳، ج ۶، ص ۱۱۳ و ج ۱۰، ص ۳۱۳؛ ابن حنبل، ۱۴۱۶، ج ۲۵، ص ۱۹۸ و ج ۳۰، ص ۲۸۰؛ ابن ضریس، ۱۴۰۸، ص ۵۴؛ ابن قانع، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۹۱؛ دارقطنی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۱۰۰)، ابی قلابه (ازدی، ۱۴۰۳، ج ۱۱، ص ۱۱۱؛ صنعانی، ۱۴۰۳، ج ۶، صص ۱۱۲-۱۱۳، ابوداود، ۱۴۰۸، ص ۳۲۱)، عقبه بن عامر (رویانی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۱۷۵؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۱۵۰)، خالد بن عرفطه (عقیلی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۲۱)، جبیر بن نفیر (طبرانی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۸۵) و حسن بصری (ابن ضریس، ۱۴۰۸، ص ۵۴) نیز بیان شده است. از این میان تنها برخی گونه‌های روایت جابر بن عبدالله حاوی مفهوم لزوم تبعیت موسی (ع) از پیامبر است (برای آگاهی از نمونه فاقد اشاره به موسی (ع) نک: ابن ابی عاصم، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۲۷).

در روایت عبدالله بن ثابت و عقبه بن عامر نیز عبارت «لَوْ أَصْبَحَ فِيكُمْ مُوسَى ثُمَّ اتَّبَعْتُمُوهُ وَ تَرَكْتُمُوهُ لَضَلَلْتُمْ أَنْتُمْ حَظِي مِنَ الْأَمَمِ وَأَنَا حَظُّكُمْ مِنَ النَّبِيِّينَ» (صنعانی، ۱۴۰۳، ج ۶، ص ۱۱۳) و «لَوْ كَانَ فِيكُمْ مُوسَى فَاتَّبَعْتُمُوهُ وَ عَصَيْتُمُوهُ لَدَخَلْتُمُ النَّارَ» (رویانی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۱۷۵) به کار رفته که از عدم جواز تبعیت مسلمانان از موسی (ع) در صورت معاصرت با پیامبر خبر می‌دهد و به ایمان آوری شخص موسی (ع) اشارتی ندارد. به نظر می‌رسد این عبارات در جهت استوارسازی خاتمیت پیامبر و جاودانگی شریعت او باشد. در سایر روایات هم خانواده هم، به کلی سخن از موسی (ع) یا پیامبران پیشین نیست. تنها لزوم تبعیت از پیامبر اکرم به صورت پراکنده و اندک‌شمار نسبت به ابراهیم (ع) (فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۸، ص ۳۳۲) و عیسی (ع) (مکی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۳۹)



؛ خطیب بغدادی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۴۱۸) بیان شده که به نظر می‌رسد گرده‌برداری از روایات پیش‌گفته باشد.

صورت کامل یا مختصر مجموعه روایات فاقد تبعیت موسی (ع) از پیامبر خاتم نیز به ترتیب تاریخی در الجامع معمر بن راشد (د. ۱۵۳)، العین خلیل بن احمد (د. ح ۱۶۰-۱۷۵)، مصنف عبدالرزاق (د. ۲۱۱)، مسند احمد بن حنبل (د. ۲۴۱)، المراسیل ابوداود (د. ۲۷۵)، السنه ابن ابی عاصم (د. ۲۸۷)، فضائل القرآن محمد بن زُریس (د. ۲۹۴)، مسند رویانی (د. ۳۰۷)، الضعفاء عقیلی (د. ۳۲۲)، العلل ابن ابی حاتم (د. ۳۲۷)، معجم الصحابه ابن قانع (د. ۳۵۱)، مسند الشامیین طبرانی (د. ۳۶۰) و العلل دارقطنی (د. ۳۸۵) گزارش شده است. توجه به سیر تاریخی انتقال این روایت در مصادر چهار سده نخست نشان‌دهنده فقدان مضمون لزوم تبعیت موسی (ع) از پیامبر اکرم در کهن‌ترین مصادر، طرق گونه‌گون و هم‌چنین فراوانی گونه‌های تهی از این بخش در تراث سده‌های نخستین است.

بر این اساس، به نظر می‌رسد بسامد مضمون نهی از رجوع به اهل کتاب و لزوم پای‌بندی به تعالیم پیامبر اکرم (هسته مرکزی روایات) در مصادر کهن و از طرق متعدد امکان انتساب آن به پیامبر را توجیه‌پذیر جلوه دهد اما در انتساب بخش لزوم تبعیت موسی (ع) از پیامبر تردید رواست و احتمال افزودگی در متن به صورت بسط مضمون روایت با مصداق‌سازی دور نمی‌نماید. از این رو، مفهوم لزوم تبعیت موسی از پیامبر در روایات منسوب نبوی پرشمار نبوده و نسبت‌دهی این مضمون به پیامبر اکرم احتیاط‌آمیز است.

### ۲-۳. اقتدای مسیح (ع) به مهدی (ع) از ذریه پیامبر

این مضمون آمیزه‌ای از سه نگره «مهدی (ع)؛ ذریه پیامبر خاتم»، «نزول عیسی (ع)» و «اقتدای عیسی (ع) به مهدی (ع)» است که احراز وجود و شیوع هر سه در زمانه پیامبر اکرم و سخنان ایشان لازم است. نخستین چالش در نسبت‌دهی این مضمون به پیامبر اکرم امکان کاربست مهدی (ع) به معنای «منجی موعود» در سخنان ایشان است. چرا که شواهدی گواه بر کاربرد معنای لغوی مهدی (ع) برای مصادیق گونه‌گون در سده نخست هجری است (حسین، ۱۳۷۷ش، صص ۴۳-۳۶).

ضمن به یادسپاری این چالش به بررسی روایات منسوب به پیامبر می‌پردازیم. گذشته از نمونه‌های بیان شده در ساختار متن، مضمون نزول و اقتدای مسیح (ع) با طریق حدیفه (ابن حماد، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۵۶۸)، جابر بن عبدالله (ابن حنبل، ۱۴۱۶، ج ۲۳، ص ۶۳؛ مسلم، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۱۳۷؛ ابویعلی، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۵۹)، ابی‌امامه باهلی (ابن حماد، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۵۶۶؛ ابن ماجه، ۱۴۱۸، ج ۵، ص ۵۳۳)، عثمان بن ابی‌العاص (ابن ابی‌شیبه، ۱۴۰۹، ج ۷،

ص ۴۹۱) و ابوهریره (صنعانی، ۱۴۰۳، ج ۱۱، ص ۴۰۰؛ ابن حنبل، ۱۴۱۶، ج ۱۳، ص ۱۰۸) از پیامبر گزارش شده است. نگره مهدی(ع) از ذریه پیامبر خاتم نیز با طریق ام سلمه (ابوداود، ۱۴۲۰، ج ۴، ص ۱۸۳۲؛ ابن ماجه، ۱۴۱۸، ج ۵، ص ۵۴۲؛ طبرانی، ۱۴۰۴، ج ۲۳، ص ۲۶۷)، حضرت علی(ع) (ابن حماد، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۳۷۶؛ ابن ابی شیبه، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۵۱۳؛ ابن ماجه، ۱۴۱۸، ج ۵، ص ۵۴۱؛ ابوداود، ۱۴۲۰، ج ۴، ص ۱۸۳۱)، امام حسین(ع) (طبرانی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۵۷؛ ابن بابویه، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۳۱۸)، ابوسعید خدری (ابن حماد، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۳۶۹، ۳۷۱، ۳۷۴؛ ابویعلی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۲۷۴؛ طبرانی، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۴۵؛ ابوداود، ۱۴۲۰، ج ۴، ص ۱۸۳۲)، عایشه (ابن حماد، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۳۷۱)، ابوهریره (ابن ماجه، ۱۴۱۸، ج ۴، ص ۳۲۴؛ ابویعلی، ۱۴۱۲، ج ۱۲، ص ۱۹)، عوف بن مالک (طبرانی، ۱۴۰۴، ج ۱۸، ص ۵۱) و ابوجابر صدفی (طبرانی، ۱۴۰۴، ج ۲۲، ص ۳۷۴؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۲۲۱) از پیامبر نقل شده و مفهوم نزول عیسی(ع) با طریق ابن مسعود (ابن حماد، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۴۲۱)، عایشه (ابن ابی شیبه، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۴۹۰)، ابوهریره (صنعانی، ۱۴۰۳، ج ۱۱، ص ۳۹۹؛ ابن حماد، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۵۷۴؛ مسلم، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۲۲۲۱) و عمران بن حصین (ابن حنبل، ۱۴۱۶، ج ۳۳، ص ۸۳) به پیامبر منتسب شده است.

شایان ذکر است مجموعه روایات دربردارنده «اسْمَةُ اسْمِي» یا «اسْمُ أَبِيهِ اسْمُ أَبِي» بدلیل تردید در انتساب آن‌ها (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۷ش، صص ۲۳۸-۲۴۴) در مجموعه روایات مورد استناد لحاظ نگردید. از این رو، به نظر می‌رسد به رغم کم‌اعتباری برخی مصادر چون الفتن نعیم بن حماد (صادقی، ۱۳۸۲، ص ۵۳ و ۴۹) و گزارش صورت غیرنبوی این مضمون، شواهد بیان‌گر وجود گفتمان موعود آخرالزمان در دوره نبوی به ضمیمه بسامد روایات منسوب به پیامبر درباره نسب مهدی(ع) و حوادث دوران ظهور با طرق متعدد و در مصادر کهن هم‌چنان طرح نبوی آن را در بوته امکان نگه دارد؛ چنان‌که حدود ۵۶۰ روایت با موضوع مهدی(ع) منسوب به پیامبر اکرم است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۹، صص ۲۷۰-۲۷۱) که از طریق ۲۶ صحابی و در ۳۸ منبع گزارش شده است (حسین، ۱۳۷۷، صص ۴۰-۴۱).

گفتمانی است، برخی از روایات منسوب نبوی، اقتدای مسیح(ع) به مهدی(ع) از نسل ابن عباس را مطرح ساخته‌اند (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۹۳) - که یادآور نزاع گفتمانی بر سر هویت مهدی(ع) و نسب اوست - و صرف نظر از مصداق مهدی(ع)، بر کاربست اصطلاحی مهدی(ع) و اقتدای مسیح(ع) به مهدی(ع) دلالت دارند.

## ۲-۴. تحلیل انتساب مضامین

بررسی میزان فراوانی سه مضمون کلی در روایت نشان می‌دهد که دو مفهوم توسل پیامبران پیشین به پیامبر خاتم و آل او و لزوم ایمان آوری موسی(ع) به پیامبر خاتم در مجموعه روایات منسوب نبوی کم‌شمار بوده و انتساب همین موارد اندک به پیامبر اکرم نیز قابل نقد است. اما مضمون اقتدای مسیح(ع) به مهدی(ع) از ذریه پیامبر را روایات قابل ملاحظه‌ای بازتابانیده‌اند. از این رو، به نظر می‌رسد تنها انتساب مضمون بخش پایانی روایت به پیامبر اکرم پذیرفتنی باشد. شایان ذکر است، این تحلیل نافی درستی مضامین یاد شده نیست بلکه رواج این مفاهیم در زمانه نبوی و صدور آن از جانب پیامبر را بعید می‌داند. چنان‌که احتمال عرضه این مضامین و آموزه‌های مبتنی بر آن از جانب سایر معصومان نیز منتفی نیست.

## نتایج تحقیق

۱. یگانه مصدر روایت «برتری پیامبر خاتم و آل او بر پیامبران» امالی ابن بابویه است. پس از امالی چندان مورد توجه محدثان حتی مناقب‌نگاران سده‌های میانه قرار نگرفته و صرفاً در کتب کَشکول‌گون و فرعی حدیثی مجال بروز یافته است. تفرد مصدر، کم‌اعتباری کتب امالی نسبت به سایر آثار حدیثی و عدم استقبال محدثان پسین با وجود دلالت چند وجهی روایت بر افضلیت پیامبر و اهتمام محدثان به نقل فضایل تأمل برانگیز است.
۲. این روایت از جهت متنی و سندی نیز متفرد است. تفرد متنی و سندی در کنار خودبسندگی معنایی بندهای گوناگون روایت، تنوع موضوعی و بافت آن‌ها، فرضیه تجمیع موضوعی روایات مختلف در جهت پی‌رنگ روایت را مطرح ساخت. به دنبال آزمون این فرضیه، به جستجوی بخش‌های قابل تجزیه روایت در تراث اسلامی موجود کهن‌تر از امالی ابن بابویه پرداختیم. برآیند این بررسی عدم یکپارچگی متن یا تلفیق اجزاء گوناگون در روایت را تأیید کرد که به تردید در اصالت ساختار روایت می‌انجامد.
۳. متن روایت حاوی مضامین گونه‌گونی است که اگر چه در ستیز با قرآن کریم به منزله متن تاریخی وثیق معاصر پیامبر نیست اما از تأیید قرآنی هم برخوردار نیست. از این رو، امکان-سنجی انتساب مضامین متن به پیامبر از طریق احراز بسامد آن‌ها در مجموعه روایات منسوب به پیامبر اکرم صورت پذیرفت و بر پایه آن از میان مضامین سه‌گانه توسل پیامبران پیشین به پیامبر خاتم و آل او، لزوم ایمان آوری موسی(ع) به پیامبر خاتم و اقتدای عیسی(ع) به ذریه پیامبر خاتم، مفهوم اقتدای مسیح(ع) به مهدی(ع) موعود قابل انتساب به پیامبر اکرم است.

با این حال، نوشتار حاضر احتمال عرضه این مضامین و آموزه‌های مبتنی بر آن را از جانب سایر معصومان نفی نمی‌کند.

### کتاب‌نامه:

#### قرآن کریم.

- ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، (۱۴۰۵ق)، *عِلل الحدیث*، تحقیق محب‌الدین الخطیب، بیروت: دارالمعرفه.
- ابن ابی شیبیه، عبدالله بن محمد، (۱۴۰۹ق)، *المصنف فی الاحادیث و الآثار*، تحقیق کمال یوسف الحوت، ریاض: مکتبه الرشد.
- ابن ابی عاصم، عمرو، (۱۴۰۰ق)، *السنه*، تحقیق محمد ناصرالدین الألبانی، بیروت: دارالنشرالمکتب الإسلامی.
- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۷۸ق)، *عیون أخبار الرضا(ع)*، تحقیق مهدی لاجوردی، تهران: نشر جهان.
- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۸۱ش)، *کتاب النبوه*، جمعه مؤسسه الضحی الثقافیه، تهران: وزاره الثقافه و الارشاد الاسلامی مؤسسه الطباعه و النشر.
- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۹۵ق)، *کمال الدین و تمام النعمه*، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران: اسلامیة.
- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۴۰۳ق)، *معانی الأخبار*، تصحیح علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۴۱۴ق)، *الاعتقادات*، قم: المؤتمر العالمی للشیخ المفید.
- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۴۳۵ق)، *الامالی*، تهران: مؤسسه البعثه.
- ابن حماد، نعیم، (۱۴۱۲ق)، *الفتن*، تحقیق سمیر امین الزهیری، قاهره: مکتبه التوحید.
- ابن حنبل، احمد بن محمد، (۱۴۱۶ق)، *مسند الإمام أحمد بن حنبل*، تحقیق شعیب ارنووط و دیگران، بیروت: مؤسسه الرساله.
- ابن داود طیالسی، سلیمان، (بی‌تا)، *مسند أبی داود الطیالسی*، بیروت: دارالمعرفه.

- ابن سلام، أبى عبید قاسم، (١٣٨٤ق)، *غريب الحديث*، تحقيق محمد عبدالمعید خان، حیدرآباد: مجلس دائرة المعارف العثمانية.
- ابن شاذان، فضل، (١٣٦٣ش)، *الإيضاح*، تحقيق جلال الدين أرموى، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ابن شاهين، عمر، (١٤٠٤ق)، *تاريخ أسماء الثقات*، تحقيق صبحى السامرائى، تونس: دارالسلفية.
- ابن ضريس، محمد بن ايوب، (١٤٠٨ق)، *فضائل القرآن و ما أنزل من القرآن بمكة و ما أنزل بالمدينة*، تصحيح عروه بدير، دمشق: دارالفكر.
- ابن عبدالبر، يوسف، (١٤١٢ق)، *الاستيعاب فى معرفة الأصحاب*، تحقيق على محمد البجاوى، بيروت: دارالجيل.
- ابن عقده كوفى، احمد بن محمد، (١٤٢٤ق)، *فضائل أمير المؤمنين*، تحقيق عبدالرزاق محمد حسين حرزالدين، قم: دليل ما.
- ابن غضائرى، احمد بن حسين، (١٤٢٢ق)، *الرجال*، تحقيق محمدرضا حسيني جلالى، قم: موسسه علمى فرهنگى دارالحديث.
- ابن قانع، عبدالباقى، (١٤١٨ق)، *معجم الصحابة*، تحقيق صلاح بن سالم المصراتى، مدينة: مكتبة الغرباء الأثرية.
- ابن ماجه، محمد بن يزيد، (١٤١٨ق)، *سنن*، تحقيق بشار عواد معروف، بيروت: دارالجيل.
- ابن منبه، همام، (١٤٠٧ق)، *صحيفة همام بن منبه*، تحقيق على حسن على عبدالحميد، بيروت: المكتب الإسلامى دار عمار.
- ابوداود، سليمان بن اشعث، (١٤٠٨ق)، *المراسيل*، تحقيق شعيب الأرنؤوط، بيروت: مؤسسة الرسالة.
- ابوداود، سليمان بن اشعث، (١٤٢٠ق)، *سنن أبى داود*، تحقيق سيد محمد سيد و ديكران، قاهره: دارالحديث.
- ابويعلی، احمد بن على، (١٤١٢ق)، *مسنن أبى يعلى*، تحقيق حسين سليم أسد، دمشق: دار المأمون للتراث.
- احسائى، احمد بن زين العابدين، (١٤٢٤ق)، *شرح الزياره الجامعه الكبيره*، بيروت: دار المفيد.
- اربلى، على بن عيسى، (١٣٨١ق)، *كشف الغممة فى معرفة الأئمة*، تصحيح هاشم رسولى محلاتى، تبريز: بنى هاشمى.
- ازدى، معمر بن راشد، (١٤٠٣ق)، *الجامع*، تحقيق حبيب الأعظمى (ملحق بكتاب المصنف للصنعانى)، بيروت: المكتب الإسلامى.

- استرآبادی، یوسف بن محمد، (۱۳۹۰ش)، *فوحات القدس*، قم: حبیب.
- استرآبادی، علی، (۱۴۰۹ق)، *تأویل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة*، تصحیح حسین استاد ولی، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- اسماعیلی یزدی، عباس، (۱۴۲۸ق)، *ینایع الحکمه*، قم: مسجد جمکران.
- انصاری، حسن، (۱۳۹۶ش)، *جستارهای تاریخی درباره تشیع*، تهران: حکمت.
- بحرانی، سید هاشم، (۱۳۷۴ش)، *البرهان فی تفسیر القرآن*، تصحیح قسم الدراسات الإسلامیه مؤسسه البعثه، قم: مؤسسه بعثه.
- بحرانی، سید هاشم، (۱۴۲۲ق)، *غایه المرام وحجة الخصام فی تعیین الإمام من طریق الخاص والعام*، تحقیق علی عاشور، بیروت: مؤسسه التاریخ العربی.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد، (۱۳۷۱ق)، *المحاسن*، تحقیق جلال الدین محدث، قم: دارالکتب الإسلامیه.
- بروجردی، حسین بن رضا، (۱۴۱۶ق)، *تفه سیر الصراط المستقیم*، تحقیق غلامرضا بروجردی، قم: انصاریان.
- بروجردی، حسین، (۱۴۰۹ق)، *جامع أحادیث الشیعة*، قم: مهر.
- پاکتچی، احمد، (۱۳۹۱ش)، *نقد متن*، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- تجلیل تبریزی، ابوطالب، (۱۴۳۲ق)، *معجم المحاسن و المساوی*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- التفه سیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري*، (۱۴۰۹ق)، تصحیح مدرسه امام مهدی، قم: مدرسه الإمام المهدی.
- تویسرکانی، محمدنبی بن احمد، (۱۴۱۳ق)، *لئالی الاخبار*، قم: العلامه.
- جصاص، احمد بن علی، (۱۴۰۵ق)، *الفصول فی الأصول*، تحقیق عجلیل جاسم النمشی، بی جا، بی نا.
- جمعی از نویسندگان، (۱۳۸۹ش)، *گونه شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان*، مقاله «گونه شناسی اندیشه منجی موعود در قرآن و سنت نبوی»، محمدحسن محمدی مظفر، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.
- جمعی از نویسندگان، (۱۳۹۷ش)، *رویکردهای نوین در حدیث پژوهی شیعه*، «روش تاریخ گذاری اسناد — متن با توجه به حلقه مشترک پژوهش موردی روایات آخر الزمان»، اندریاس گورکه، ترجمه سعید شفیعی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- جواد عباس، کربلایی، (بی تا)، *الانوار الساطعه فی شرح الزیارة الجامعه*، قم: دارالحدیث.

حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ق)، *وسائل الشیعه*، تحقیق مؤسسه آل البيت، قم: مؤسسه آل البيت حسین، جاسم، (۱۳۷۷ش)، *تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم*، ترجمه محمدتقی آیت اللهی، تهران: امیرکبیر.

حسینی اشکوری، علی، (۱۴۲۸ق)، *درالتاج والتاج*، تهران: المجمع العالمی للتقريب بين المذاهب الاسلامیه.

حسینی رضوی، ولی بن نعمه الله، (۱۳۸۰ش)، *رساله منهاج الحق والیقین فی تفصیل علی امیر المؤمنین علی سائر الأنبیاء والمرسلین در میراث حدیث شیعه*، تحقیق عبدالله غفرانی، قم: دارالحدیث.

حویزی، عبد علی بن جمعه، (۱۴۱۵ق)، *تفسیر نورالتقلین*، تصحیح هاشم رسولی، قم: اسماعیلیان. خطیب بغدادی، أحمد بن علی، (۱۴۰۷ق)، *موضح أوهام الجمع والتفريق*، تحقیق عبد المعطی أمين قلجی، بیروت: دار المعرفه.

خطیب بغدادی، أحمد بن علی، (۱۴۱۷ق)، *تاریخ بغداد*، تحقیق مصطفی عبد القادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه.

خواجهی، محمداسماعیل، (۱۴۲۶ق)، *الرسائل الاعتقادیه*، تحقیق مهدی رجائی، قم: مؤسسه عاشوراء. دارقطنی، علی بن عمر، (۱۴۰۵ق)، *العلل الواردة فی الأحادیث النبویه*، تحقیق محفوظ الرحمن زین الله السلفی، ریاض: دارطیبه.

دارمی، عبدالله بن عبدالرحمن، (۱۴۰۷ق)، *سنن الدارمی*، تحقیق فواز احمد زمزلی و دیگران، بیروت: دارالکتب العربی.

راد، علی، (۱۳۹۳ش)، «حدیث لاتفضلونی علی موسی؛ روی کردها و نظریه معیار»، *علوم حدیث*، ش ۷۲.

راد، علی، (۱۳۹۴ش)، «روایات تفاضل یونس و یحیی؛ تعارض و راه کارها»، *علوم حدیث*، ش ۷۶.

راد، علی، (۱۳۹۵ش)، *غرر قرآن از نظریه تا تفسیر*، قم: دارالحدیث.

راد، علی، (۱۳۹۷ش)، «قرآن و آموزه تفضیل پیامبران؛ اسلوب، زمینهها و ماهیت»، *قرآن شناخت*، ش ۲۱.

راد، علی؛ عطایی نظری، پریسا (۱۳۹۹ش)، «اعتبارسنجی روایت «توبه آدم با توسل به پنج تن» و پیوند آن با عقاید زیدیه»، *مطالعات فهم حدیث*، س ۷، ش ۱۳.

راد، علی؛ ولایتی، مریم، (۱۳۹۵ش)، «گفتمان کاوی تفسیر شیعه در کوفه؛ اصیغ و گفتمان امامت وصایتی»، *مطالعات قرآن و حدیث*، ش ۱۹.

رویانی، محمد بن هارون، (۱۴۱۶ق)، *مسند الرویانی*، تحقیق ایمن علی ابویمانی، قاهره: مؤسسه قرطبه. زبیدی، ماجد ناصر، (۱۴۲۸ق)، *التیسیر فی التفسیر للقرآن بروایة أهل البيت*، بیروت: دارالمحجّة البيضاء.

سبحانی، جعفر، (۱۳۸۵ش)، *الایمان و الکفر فی الكتاب و السنه*، قم: مؤسسه امام صادق (ع). سبزواری، هادی بن مهدی، (۱۳۷۶ش)، *رسائل حکیم سبزواری*، تصحیح جلال‌الدین آشتیانی، تهران: اسوه.

سند، محمد، (۱۴۲۶ق)، *التوسل عبادہ توحیدیه*، تقریر محمد عیسی آل مکباس، بیروت: منشورات مکتبه سعید بن جبیر.

سند، محمد، (۱۴۲۹ق)، *دعوی السفاره فی الغیبه الکبری*، قم: بقیه العتره. شبر، عبدالله، (۱۴۰۷ق)، *الجواهر الثمین فی تفسیر الكتاب المبین*، کویت: شرکة مکتبه الالفین. شعیری، محمد بن محمد، (بی تا)، *جامع الأخبار*، نجف: مطبعة حیدریه. شوشتری، محمد تقی، (بی تا)، *الأخبار الدخیله*، تعلیق علی اکبر غفاری، تهران: مکتبه الصدوق. صادقی تهرانی، محمد، (۱۳۹۳ش)، *التفسیر الموضوعی الفرقان*، قم: شکرانه.

صادقی، مصطفی، (۱۳۸۲ش)، «الفتن ابن حماد؛ قدیمی ترین کتاب در مهدویت»، *آینه پژوهش*، ش ۸۴. صافی گلپایگانی، لطف‌الله، (۱۳۸۰ش)، *منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر*، قم: مکتب آیه الله الصافی. صنعانی، عبدالرزاق بن همام، (۱۴۰۳ق)، *المصنّف*، تحقیق حبیب الرحمن الأعظمی، بیروت: المکتب الاسلامی.

صنعانی، عبدالرزاق بن همام، (۱۴۱۰ق)، *تفسیر القرآن*، تحقیق مصطفی مسلم محمد، ریاض: مکتبه الرشد.

طباطبائی، محمدحسین، (۱۳۹۰ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات. طبرانی، سلیمان بن أحمد، (۱۴۰۴ق)، *المعجم الکبیر*، تحقیق حمدی بن عبدالمجید السلفی، موصل: مکتبه الزهراء.

طبرانی، سلیمان بن أحمد، (۱۴۱۷ق)، *مسند الشامیین*، تحقیق حمدی بن عبدالمجید السلفی، بیروت: مؤسسه الرساله.

طبرسی، احمد بن علی، (۱۴۰۳ق)، *الإحتجاج علی أهل اللجاج*، تصحیح محمدباقر خرسان، مشهد: نشر مرتضی.

طبری، محمد بن جریر، (۱۴۱۲ق)، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دارالمعرفه.



طبسی نجفی، محمدرضا، (۱۳۸۵ش)، *الشیعه و الرجعه*، تصحیح عمادالدین طبسی، نجف: مطبعه الآداب.

طوسی، محمد بن حسن، (۱۳۹۰ق)، *الاستبصار فیما اختلف من الأخبار*، تحقیق حسن خراسان، تهران: دارالکتب الإسلامیه.

طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۲۰ق)، *فهرست کتب الشیعۀ و أصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول*، تحقیق عبدالعزیز طباطبائی، قم: مکتبۀ المحقق الطباطبائی.

عاشور، علی، (۱۴۲۷ق)، *موسوعه اهل البيت*، بیروت: دار نظیر عبود.

علم الهدی، سید مرتضی، (۱۴۱۰ق)، *الشافی فی الإمامه*، تحقیق عبدالزهراء حسینی، تهران: مؤسسه الصادق.

علوی گرگانی، محمدعلی (۱۴۳۱ق)، *لثالی الاصول*، قم: دارالتفسیر.

عیاشی، محمد بن سعید، (۱۳۸۰ق)، *تفسیر العیاشی*، تحقیق: هاشم رسولی، تهران: مکتبۀ العلمیه الاسلامیه.

فتال نیشابوری، محمد بن احمد، (۱۳۷۵ش)، *روضۀ الواعظین و بصیرۀ المتعظین*، قم: انتشارات رضی. فخر رازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰ق)، *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*، تحقیق دار احیاء التراث العربی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

فراهانی، علیرضا، (۱۴۲۷ق)، *الادعیه الماثوره المشتركه*، تهران: المجمع العالمی للتقرب بین المذاهب الاسلامیه.

فلسفی، یحیی، (۱۴۳۱ق)، *قدوه التفاسیر فی المأثور عن خاتم الانبیاء والمرسلین*، تحقیق سلام تمیمی و صباح ربیعی، بیروت: مؤسسه البلاغ.

فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۴۱۵ق)، *تفسیر الاصفی*، تحقیق حسین اعلمی، تهران: مکتبۀ الصدر.

قمی، علی بن ابراهیم، (۱۴۰۴ق)، *تفسیر القمی*، تصحیح طیب موسوی جزائری، قم: دارالکتاب.

قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، (۱۳۶۸ش)، *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب*، تحقیق حسین درگاهی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

قندهاری، محمد، (۱۳۹۸ش)، *باز شنا سی هویت تاریخی سلیم بن قیس هلالی*، پایان نامه ارشد، قم: دانشکده الهیات، پردیس فارابی دانشگاه تهران.

کاشف الغطاء، جعفر بن خضر، (بی تا)، *کشف الغطاء عن مبهمات شریعه الغراء*، اصفهان: مهدوی.

- کرکی، حسین بن حسن، (۱۴۲۱ق)، *دفع المناوأة عن التفتضیل والمساواة*، تحقیق مهدی رجائی، قم: مکتبه الامین.
- کوفی، فرات بن ابراهیم، (۱۴۱۰ق)، *تفسیر فرات الکوفی*، تهران: وزارت ارشاد اسلامی.
- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۲۹ق)، *الکافی*، قم: دارالحديث.
- گرامی، محمدهادی، (۱۳۹۶ش)، *مقدمه‌ای بر تاریخ‌نگاری انگاره‌ای و اندیشه‌ای*، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
- گرنه‌زاده، فاضل؛ قیوم‌زاده، محمود، (۱۳۹۴ش)، «بررسی منزلت انبیاء و ائمه(ص) از منظر سه فرقه شیعی امامیه، زیدیه، اسماعیلیه»، *شیعه پژوهی*، ش ۴.
- لواسانی، سید محمدرضا، (۱۳۹۹ش)، «تجمیع اخبار اخلاقی در حدیث یا ابازر»، *مطالعات تاریخی قرآن و حدیث*، س ۲۶، ش ۶۷.
- مجلسی، محمدتقی، (۱۳۸۳ش)، *رساله شرح خطبه البیان در میراث حوزه اصفهان*، گردآوری احمد سجادی و دیگران، قم: مؤسسه الزهرا(س).
- مجلسی، محمد باقر، (۱۳۸۲ش)، *عین الحیاء*، تحقیق مهدی رجائی، قم: انوارالهدی
- مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار الجامعة لدرر الاخبار الائمة الاطهار(ع)*، تحقیق جمعی از محققان، بیروت: دار إحياء التراث العربی
- محمد بن عمرو، عقیلی، (۱۴۱۸ق)، *الضعفاء الكبير*، تحقیق عبد المعطی أمين قلعجی، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۴۲ق)، *موسوعه معارف الكتاب و السنه*، بیروت: دارالحديث.
- محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۸۶ش)، *حکمت‌نامه پیامبر اعظم*، قم: دارالحديث.
- مددی، سید احمد، (۱۳۹۳ش)، *نگاهی به دریا*، قم: مؤسسه کتاب‌شناسی شیعه.
- مسلم بن حجاج، (۱۴۱۲ق)، *الجامع الصحيح*، تصحیح محمد فؤاد عبدالباقی، قاهره: دارالحديث.
- معرفت، محمدهادی، (۱۳۸۷ش)، *التفسیر الأثری الجامع*، قم: التمهید.
- مفید، محمدبن محمد، (۱۴۱۳ق)، *أوائل المقالات فی المذاهب و المختارات*، قم: المؤتمر العالمی للشیخ المفید.
- مقدسی، یوسف بن یحیی، (۱۳۹۹ق)، *عقد الدرر فی أخبار المنتظر*، تحقیق عبدالفتاح محمد الحلو، قاهره: مکتبه عالم الفکر.

مکی، محمد بن علی، (۱۴۱۷ق)، *قوت القلوب فی معامله المحبوب*، تحقیق باسل عیون السوود، بیروت: دارالکتب العلمیه.

موسسه الامام الهادی، (۱۳۹۱ش)، *دعاء الندبه و توثيقه من الكتاب و السنه*، قم: پیام امام هادی.

نجفی رازی، ابوالحسن، (۱۳۸۱ش)، *مجمع النورین و ملتقى البحرين*، تحقیق حسین جعفری، قم: آل عبا.

نصراوی، محمد؛ گرامی، سید محمد هادی، (۱۳۹۶ش)، «کاربست گفتمان کاوی تاریخی در مطالعات تاریخ اندیشه: گفتمان محمد(ص) پس از واقعه عاشورا به مثابه یک نمونه»، *مجموعه مقالات*

*کنگره بین المللی علوم انسانی اسلامی*، ش ۱، دوره ۳.

نعمانی، محمد بن ابراهیم، (۱۳۹۷ق)، *الغیبه*، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران: نشر صدوق.

نقوی قائنی، محمدتقی، (۱۳۷۸ش)، *شرح زیارت جامعه کبیره*، تهران: مؤسسه الصادق(ع).

نهاوندی، محمد، (۱۳۸۶ش)، *نفحات الرحمن فی تفسیر القرآن*، قم: مؤسسه البعثه.

هالالی، سلیم بن قیس، (۱۴۰۵ق)، *کتاب سلیم بن قیس الهالالی*، تحقیق محمد انصاری زنجانی، قم: الهادی.

همتیان، علی اصغر، (۱۳۹۰ش)، *شرح فراق*، قم: مرکز تخصصی مهدویت.

Sadeghi, Behnam, (2010), 'The Travelling Tradition Test: A Method for Dating Traditions', *Der Islam*, No: 85.

### **Bibliography:**

The Holy Quran.

- ‘Ayāshī, Muhammad ibn Mas‘ud (1960), Kitab al-Tafsir, Researcher: Siyyid Hashim Rasouli, Tehran: Maktabah al - ‘Ilmiyya al-Islamiyya.
- 'Abu Dāwūd, Sulayman ibn Ash'ath (1999), Al-Sunan, researcher: Seyed-Mohammad Seyed, Cairo: Dar al-Hadith.
- 'Abu Dāwūd, Sulayman ibn Ash'ath,,(1988), al-amarasil, researcher: Shu‘ayb Arnut, Beirut: Al- Risalah Institute
- Abu Taleb Makki, (1996), Qout al-Quloub fi Mu'amalat al-Mahboub, ed. Basel 'Uyoun al-Soud, Beirut, Dar al-Kutub al-'Ilmiyyah
- Abu Ya'lā Ahmad ibn Ali ,(1992), Musnad, Research: Hussein Salim Asad. Damascus: Dar Al-Ma'moun
- al-Ahsá'í, Ahmad bin Zayn al-Dín,(2003), Sharh al-Ziyara al-Jami'a al-Kabira, Beirut, dar al-mufid
- alam al-huda ,murtada,(1990), al-shafi'i fi al-amma'a, Research: hosseini, abdozahra, Tehran, Al-sadiq Institute
- alavi gorgani, muhammad ali, (2010), lal al-asul, Qom, Dar Al-Tafsir
- Al-Dārimī, Abū Muḥammad ‘A. b. ‘Abd al-Raḥmān (1987). Sonan al-Dārimī, Researcher: fawaz ahmad zamerli , Beirut:Dār al-kitab al- Arabia
- al-eribli, 'ali b.'isa, (1962), kashf al-ghoma'i fi Ma'refat al-A'imma, Researcher: Hashim Rasouli, tabriz , bani hashimi
- al-fattal neyshaburi, muhammad b. 'ahmad, (1997), rawda al-wa'izan wa basirat al-muta'iyin, Qom, al-sharif al-razi
- al-husayn, jassim (1999),The political history of the absence of the twelfth Imam, tr: ayatollahi, mohammad taghi, Tehran, Amir Kabir
- Al-Imam Al-Hadi Institute,(2012),Do'a al-nodbe wa Tothiqeh min Al- kitab wa Al- sonnah, Qom, payam-e imam Hadi
- al-Nujafi al-Razi, Abolhassan, (2003), majama'al-nourain wa moltaqi al-bahrin, Researcher: Hussein Ja'fari al-Zanjani, Qom: Al-Aba
- Al-Şan‘ānī, ‘Abd al-Razzāq (1983). Al-Muşannaf, ed. H.R. al-A‘zamī, Beirut, al-maktab al-islami
- Al-Şan‘ānī, ‘Abd al-Razzāq,(1990), Tafsīr al-Qur’an, Riyadh: Maktabah al-Rushd
- Andreas Goerke, Eschatology, History, and the Common Link: A Study in Methodology, tr:saeed,shafiei in co-authors,(2019), New Approaches to the Shi'ite Hadith Studies,Tehran, , imam sadiq university
- Ansari, Hasan (2018), Historical researches about Shiism, Terhran: Hikmat.
- ‘Ashur, ‘Ali (2006), Musu‘a Ahl al-bayt, Beirut: Dar Nazir ‘Abud.
- Azdi, Ma‘mar ibn Rāshid, (1983), al-Jāmi', Researcher: Habib al-Rahman al-'Azmi Beirut, al-maktab al-islami

- Baḥrānī, Siyyed Hashim (2001), Ghāyat al-marām wa-ḥujjat al-khiṣām fi ta'yīn al-Imām min ṭarīq al-khāṣṣ wa-al-'āmm, Researcher: 'Ali-'Ashur, Beirut: al-Tarikh al-Arabi.
- Baḥrānī, Siyyid Hashim (1996), Al-Burhan fi Tafsir al-Quran, Qom: Be'that Institute.
- Barqī, Ahmad ibn Muhammad (1993), Al-Mahasin, Researcher: Jalal al-Din Muhaddith, Qom: Dar al-Kutub al-Islamiyya.
- Burūjirdī, Aqa Husain, (1988), Jami' Ahadith al-Shi'ah, Qom, Mehr
- Burūjirdī, Hossain, (1995), Sirat al-Mustaqim fi Tafsir al-Qur'an al-Karim, ed Molana Burūjirdī, Gholamreza, Qom, Ansarian
- Dār Qutnī, ali ibn 'umar, (1985), Alillal Al-wareda fi Al-Ahadith Al-Nabaviah, Research: mahfouz al-rahman al-salafi, Riyadh, dar taybeh
- Esmaeili Yazdi Abbas (2007), Yanabi'a al-Hikmah, Qom: Jamkaran Holy Mosque.
- Estarabadi, 'Ali (1989), Ta'wil al-Ayat al-Zahirah fi Fadail al-Itrah al-Tahirah, Editor: Ostadvali, Hussiyn, Qom: Islamic Publications Institute.
- Estarabadi, Yusuf ibn Muhammad (2012), Fuhat al-Quds, Qom: Habib.
- Fakhr Razi, Muhammad ibn 'Umar (۱۹۹۹), Al-Tafsir al-kabir (Mafatih al-Ghayb), Beirut: Dar al-Ihya al-Turath al-Arabi.
- falsafi, yahya, (2010), qodwa al-tafasir fi al-ma'asur 'an khatam al-anbia' wa al-mursalin, Beirut, Al-Belaq institute
- Farahani, Alireza, (2006), al-ad'iyya al-ma'uthora al-mushtarakah, Tehran, al-majama' al-'alamy li altaqrib bain al-mudahib al-islamiyya
- Fayḍ Kāshānī, Muhammad ibn Shah Murtiza (۱۹۹۵), Tafsīr al-ṣāfi. Edited by Hossein. A'lamī, Tehran, Maktabat al-Ṣadr
- Garnezadeh, Fazel, Ghayyoomzadeh, Mahmood, (2016), " A Comparative Survey on the Position of the Prophets and Imāms from the Viewpoint of the Imāmis, Zaydis and Ismāīlies", Shi'a Pajoohi, No4
- Gerami, muhammad hadi, (2018), an introduction to conceptual & Intellectual History, Tehran, imam sadiq university
- ghandehari, mohammad, (2020), Recognition of the historical identity of Solim bin Qeys Hilali, Phd dissertation, Tehran University
- hemmatian, ali Asghar, (2012), Sharh-e firaq, Qom, mahdaviat center
- Hilālī, Solīm ibn Qeys. (1985), Kitāb Solīm b. Qeys., Edited by M. Anṣārī Zanjānī Khū'inī, Qom, Al-Hādī Publications
- hosini razavi, wali b. na'imat allah, (2002), Minhaj Al-Haq wa Al- yaqin, Researcher: GHofrani, Qom: Dar al- Hadīth
- hosseini eshkevari, ali, (2007), durar Al-Taj wa Al-Taj, Tehran, al-majama' al-'alamy li altaqrib bain al-mudahib al-islamiyya
- Hurr 'Āmilī, Mohammad Ibn Hasan, (1989), Wasā'il al-Shi'a, Qom: Al al-bayt Li Ihyā' Al-Turāth

- Huwayzī, Abd Ali ibn Jum‘a (۱۹۹۵), Tafsīr nūr al-thaqalayn, editor: Hashim Rasuli, Qom :Islmā‘iliyān Publication
- Ibn ‘Abdulbirr Yusuf (1992), ‘Al’istī‘āb fī Ma‘rifat-i al-’Aṣḥāb, Research: Ali Muhammad al-Bajāwī. Beirut: Dar al-Jail
- Ibn Abi Asim, ‘Amr (۱۹۸۰), Al-Sunnah, Researcher: Muhammad Nasir al-Ddin al-Albani, Beirut: Dar al-Nashr al-Maktab al-Islami.
- Ibn Abi Hātim, Abd al-Rahman ibn Muhammad (1985), ‘Ailal al-Hadith, Researcher: Mohib al-Ddin al-khatib, Beirut: Dar al-Ma‘arifah.
- Ibn Abī Shaybah, Abū Bakr ‘Abd Allah b. Muḥammad (1989), Al-Kitāb al-Muṣannaf fī al-Aḥādīth wal-Āthār, ed. Kamal Yūsof al-ḥūt, Riyadh: Maktabah al-Rushd.
- Ibn al-Ghazairi, Ahmad ibn Hossein (2001), al-Rijal, Researcher: Muhammad Reza Hussiyani Jalali, Qom: Dar al-Hadith.
- Ibn Babwiyyah, Muhammad ibn Ali, (1959) Uyun Akhbar al-Riza ,Researcher: Mahdi Lajiwardi, Tehran: Jahan Nashr.
- Ibn Babwiyyah, Muhammad ibn Ali, (1975), Kamal al-Din wa Tamam al-Ni‘amah, Editor: Ghaffari, Ali Akbar, Tehran: Islamiyya.
- Ibn Babwiyyah, Muhammad ibn Ali, (1983), Ma‘ani al-Akhbar, Editor: Ghaffari, Ali Akbar, Qom: Islamic Publications Office Affiliated to Jami‘ah Mudarrisin.
- Ibn Babwiyyah, Muhammad ibn Ali, (1994), Al-’ai‘atighadt, Qom: al-Mu‘tamar al‘alami li Alfiah al-Shaykh al-mofid.
- Ibn Babwiyyah, Muhammad ibn Ali, (2003), Kitab al-Nabuwah, Tehran: Islamiyya.
- Ibn Babwiyyah, Muhammad ibn Ali, (2014), Al-Amali, Tehran: Al-Be‘that Institute.
- Ibn Dawoud Tialesi, Suliyman,(n.d), Musnad-e abi Dawoud al-Tialesi, Beirut: Dar al-Ma‘arifah. Ibn Hammad, No‘eimm (1992), al-Fitan, Researcher: Samir Amin al-Zahiri, Cairo: Maktabah al-Tohid.
- Ibn Hanbal, Ahmad ibn Muhammad, (1995), Musnad-e al-Imam Ahmad ibn Hanbal, Researcher: Shu‘ayb Arnut and others, Beirut: Al- Risalah Institute.
- Ibn Mājah Mohammad, (1997), Al-Sunan, Research: Bashshar Awwad Marouf, Beirut: Dar al-Jail
- Ibn Munabba Hamam, (1987), Al-Ṣaḥīfah, researcher: abdul hamid, ali hassan ali, Beirut: al-maktab al-islami dar ammar
- Ibn Qan` Baghdadi, `Abd al-Baqi, (1997), Mu`jam al-Sahabah, Medina. Guraba library.
- Ibn Salām, Abu ‘Ubayd al-Qāsim (1964), Qarib al-Hadith, Researcher: Muhammad Abd al- Ma‘aid Khan, Heidar Abad: Majles Dairah al-Ma‘aref al- Usmanieh.

- Ibn Shāhīn, Abū Ḥafṣ ‘Umar b. Aḥmad (1984), Ta‘rīkh Asmā’ al-Sighat, Rsearcher: Sobhi al-Samiraie, Tunisia: Dar al-Salafiah
- Ibn Shazan, Fadl (1985), Al-Iizah, Researcher: Jalal al-Ddin Armavi, Tehran: University of Tehran Press.
- Ibn 'Uqdah, Ahmad ibn Muhammad (2003), Fadā'il Amir AlMu'minīn, Qom: Dalil-e Mā.
- ibn zurays, Mohammad Ibn Ayyub,(1988), Faḍā'il al-Qur'ān, Damascus ,dar al-fikr
- Jaṣṣāṣ, ahmed bin ali al-razi, (1985), al-fasul fi al-usul's
- Karaki, Hossein,(2000), Daf' Al-monawat , Researcher: rajai, mahdi, Qom, Amin library
- karbala'i, jawad b. abbas ,(n.d),al-anwar al-satat fi ziyyat al-zayyarat al-jama'a, Qom: Dar al- Hadīth
- kashif al-ghita'a, ja'far, (n.d), kashf al-ghita'a an al-shariyat al-ghara, Isfahan, Mahdavi
- khajuei ,muhammad isma'il,(2005), al-rasa'il al-'ataqadiyya, Researcher: rajai, seyed mehdi, Qom, institute of Ashura
- Khatib Baghdadi, Ahmad ibn Ali (1996), Tarikh-e Baghdad, Editor: 'Ata, Mustafa 'Abd al-Qadir, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyya.
- Khatib Baghdadi, Ahmad ibn Ali,(1987),Mowazah Al-uham Al- jama Wa al-Tafriq ,Beirut: Dar al Ma'rifat
- Koufi, Furat b. Ibrahim,( 1989), Tafsir Furat al-Koufi,ed Kazem, Mohammad, Tehran, Publications of Islamic Guidance Ministry
- Kulayni, Mohammad b. Ya`qoub, (2008), al-Kafi, Qom, Dar al-Hadith
- Lavasani, Seyed Mohammad Reza, (2021), "Compilation of Moral Narrations in Hadith O' Abazar", Historical Approaches to Quran and Hadith Studies, No67
- Madadi, seyed ahmad, (2015), Glimpse of the sea, Qom, shiite bibliography Majlisi,Mohammad Taqi,(2005), description of the khotbat Al-Bayan ,in the heritage of isfahan seminary, Qom, alzahra institute
- Majlisi, Mohammad Baqer,( 1982), Biḥār al-anwār al-jāmi'a li-durar akhbār al-A'imma al-Aṭhār ,ed a group of writers, Beirut,Dar Ihya' al-Turath al-Arabi
- Majlisi, Mohammad Baqer,(2004), 'Ayn al-Ḥayāt, Qom, anwar al-hoda
- Maqdesī, Youssef ibn Yahyā',(1979), 'Uqad Al-Dorar fi akhbar al-montazer, Research: 'abd al-fattah muhammad al-holv ,cairo, alam al-fikr library
- Ma'refat, Muhammad Hādī,(2009), al-tafsir al-asari al-jama'a ,Qom: al-Tamhid
- Mohammad Hassan Mohammadi Mozaffar,"Typology of the thought of the promised savior in the Qur'an and the prophetic tradition" In co-authors,

- (2011), typology of promised savior thought in religions ed: Ali Movahedian Attar, Qom, Adyan publication
- Mohammadi Ray shahri ,Mohammad,(1924) , mosua' maaref al-kitab wa al-sunna, Beirut, Dar al-Hadith
- Mohammadi Ray shahri ,Mohammad,(2008),Wise words of Holy Profhet, Qom, Dar al-Hadith
- Mufid, Mohammad, (1993),Awael al-maqqalat fi al-madahib wa al-mukhtarat. Edited by Shaykh Mufid Congress, Qom, Al-Mu'tamar al-'Ālamī li-Alfiya al-Shaykh al-Mufid
- Muslim b. Hajaj , (1992), Al-Jame' al-Şaḥīḥ, ed. M. F. 'Abd al-Bāqī, cairo: Dār Alḥādīth
- Nahavandi, Muhammad (2008), Nafhat Al-Rahman fi tafsir Qur'an, Qom: Al-Ba'ath Institute
- naqvi qaeni , muhammad taqi, (2000), the description of al-Ziyara al-Jami'a al-Kabira, Tehran, Al-sadiq Institute
- nasrawi, muhammad, gerami, muhammad hadi,"application of historical discourse Investigation in the history of thought studies: the discourse of mohammad (pbuh) after the event of ashura as an example",The International Congress on Islamic Humanities,No1
- No'māni, Mohammad Ebrāhim, (1977), al-Ghaybah, Ghaffāri, Tehran: Sadooq publication
- Pākatchī, Ahmad,(2013), textual criticism, Tehran, imam sadiq university
- Qumī Mashhadī, Mohammad, (1990), Tafsīr kanz al-daqa'iq wa baḥr al-gharā'ib, Tehran, Ministry of Culture and Islamic Guidance Press
- Qumī, Ali ibn Ibrahim. (1983), Tafsīr al-Qumī. Edited by Ṭayyib Mūsawī, Qom, Mu'assisa Dār al-Kitāb
- Rād, Ali, (2015),"The hadith "La Tofazeluni 'ala mousa"; Approaches and criterion theory", ulum-i Hadīth, No 72
- Rād, Ali, (2016), "The narrations of the difference between Younes and Yahya; Conflict and solutions", ulum-i Hadīth, No 76
- Rād, Ali, (2019), "The Qur'an and the Doctrine of superiority of the Prophets; Method, Background and Nature", Qoranshenakht, No 21
- Rād, Ali, Ataei Nazari, Parisa,(2020), "Evaluation of the Narration “Adam’s Repentance by Invocation to the Five People” and its Relation with Zaidi Thought", studies on Understanding Hadith, No 13
- Rād, Ali,(2017), Ghurar-e Qur’ān, From Theory to Interpretation. Qom: Dar al- Hadīth
- Rād, Ali, Vellayati, Maryam, (2017),"Discourse Investigation of Shi'a Exegesis at Kufa; Asbagh & "Imamat -e- Vesayati" Discourse", Quran and Hadith Studies, No 19



- Royani ,mohammad b. harun,(1995), Musnad-e Royani, Cairo, Córdoba Institute
- sabzevari, Hadi, (1998), the treatise of hakim sabzevari, Research: ashtiyani, jalal al-din, Tehran, osveh
- sadeghi , Mostafa,(2004), "Al-Fitan,The oldest book in Mahdiyyism",Ayeneh-ye-pazhooresh, No 84
- sadeghi tehrani, mohammad, (2015), al-tafsir al-mouadou'i al-furqan, Qom, Shokraneh
- Sadeghi, Behnam, (2010), "The Travelling Tradition Test: A Method for Dating Traditions", Der Islam, No 85
- şāfi, lotfollah,(2002),Montakhab al-athara fi al-Imam al-thani 'ashr , Qom, şāfi library
- Sanad, mohammad, (2005), Al-Tavassol, Beirut, Saeed bin jubeir library
- Sanad, mohammad, (2008), d'awa al-siffarah fi al-ghaybat al-kubra, Qom, al-Itrah
- sha'iri, mohammad b. mohammad ,(n.d), jami'i al-akhbar,Najaf, Al-Haydariyah publication
- shubbar, 'abd allah ,(1987), al-jawhar al-thamin fi tafsir al-Qur'an al-mubin, Kuwait, Al-Alfain library
- Shūshtarī, Mohammad Taqī, (n.d), Al-Akhbār al-Dakhīla, Tehran. Sadūq Library
- Subhani, Ja'afar (2007), Al-Iman wal-Kufr fi Al-kitab wal-Sunna, Qom: Imam Sadigh (PBUH) Institute.
- Ṭabarānī , Suleiman ibn Ahmad, (۱۹۹۶), Musnad al-Shāmayn. Research: Ḥamdī Abdel Majid al-Sulfā. Beirut: Al-Risalah Institute;
- Ṭabarānī, Suleiman ibn Ahmad, (1984), Al-Mu'jam al-Kabīr, Research: Ḥamdī Abdel Majid Al-Salafī, Mosul,Al- zahra Library
- Ṭabarī, Muhammad ibn al-Jarīr (1992), Jāmi' al-Bayān fī tafsīr al-Qur'ān, Beirut: Dār al-Ma'rifa
- Tabassi, mohammad reza, (2007),al-shi'a wa al-raj'a , Najaf , al-adab
- Tabatabaī, Mohammad Hussain,(1970), Al-Mīzān fī Tafsīr al-Qur'an, Beirut: Mu'assisa al - A'lamī lil-Maṭbū'āt
- Ṭabrisī, Ahmad b.Ali, (1983), Al-Iḥtijāj 'alā ahl al-lijāj, Edited by M. B. Khirsān, Mashhad, Murtaḍā Publications
- tajlil tabrizi , Abu Taleb,(2011), mu'ajim al-muhassan and al-masawi, Qom, al-nashra al-islami institute
- the commentary ascribed to Imam Al-Hassan Ibn Ali Al-Askari (AS),(1989),Qom: Imam Al-Mahdi (AS) School
- Ṭūsī Muhammad b. Hasan,(1970), Al-'Istibṣār fī mā 'Ukhtulifa min al-Akhbār, Research: Hasan Khirsān, Tehran:Dar al-Kutub al-Islamiyah

Ṭūsī Muhammad b. Hasan, (1999), Fihrist Kutub al-Shī'ah wa 'Uṣūlihim wa 'Asmā' al-Muṣannifīn wa 'Aṣḥāb al-'Uṣūl. Research Tabataba'ei, Abdul-'Aziz, Qom: Library of al-Muḥaqqiq al-Ṭ abāṭ abā'ī  
 tuyserkany, mohammad nabi, (1993), lal'i al-akhbar, Qom, al-alamah  
 'Uqeili, Muhammad ibn 'Amr, (1997), Ḍu'afā' al-kabir, Beirut, Dar al-Kutub al-'Ilmiyyah  
 zubaydi, majed Nasser, (2007), al-taissir fi al-tafsir li lqoran bi rivayat ahl al-bayt, Beirut, dar al-mahjah al-bayda.

